

«قانون» را یکی از عوامل سیاسی تمدن بر شمرده اند؛ مراحل تکامل قانون عبارتند از: ۱- اقتدار افکار عمومی و سنتها؛ ۲- انتقام شخصی؛ ۳- جایگزینی جرمه به جای انتقام؛ ۵- مداخله دولت در جلوگیری از تجاوز و کیفر متجاوز (دورانت، ۱۳۸۲: ج ۱، ۳۴-۳۶)؛ هر چند مفهوم عداlet یکی از مفاهیم زائدالوصف محسوب می شود که در هر نظام فکری، تعریفی خاص از آن ارائه شده است لیکن نقطه تلاقی همه این تعاریف، «قانون» (منصرف از خاستگاه وضع آن) می باشد و می توان چنین ادعا کرد که عدالت در اجرای قانون است؛ در هر حال، متولّی نظارت بر ح سن اجرای قوانین و مآلاً تامین عدالت نیز امروزه در همه نظام های سیاسی، دستگاه قضایی است. از این رهگذر، یادآوری دو نکته ضرورت دارد: یکی اینکه محوّل شدن امور قضایی بعد از انقلاب اسلامی ایران به فقها امری حادث نبوده و نباید فراموش کرد که مطالعه اسناد متّمن تاریخی گواه این است که همواره اهم امور قضایی در ایران (و بسیاری از تمدن های دیگر) در اختیار روحانیون بوده است و هم اکنون نیز با توجه به ا صل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضائیه که «پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی و تحقق بخشیدن به عدالت در جامعه» در هسته مرکزی ماموری ت ها و وظایف آن قرار دارد تحت زعامت و حکمرانی یک نفر فقیه و مجتهد عادل بنا به انتصاب مقام معظم رهبری قرار دارد و قضاوت اساساً از شئون فقهاست که بنا به مصالح اجتماعی و بلحاظ کمبود قاضی مطلوب (فقیه جامع الشرائط) عمدتاً از قضات مأذون استفاده می گردد؛ و ثانیاً اینکه تجارب تاریخی سایر تمدن ها و حکومت های پیشین تاریخ اسلام حتی عباسیان که از حیث مظلومی که به ائمه هدی (علیهم السلام) روا داشتند، به درستی شایسته لعن و تبری هستند در حوزه های متعدد حکمرانی از جمله حکمرانی قضایی در خور توجه و استفاده هستند و نی کو نیست که خود را در سه دوره «ظهور اسلام تا رحلت پیامبر اسلام (ص)»، «خلافت امام علی (ع)» و «پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا کنون» محصور کنیم؛ برای مثال یکی از نقاط مثبت تاریخ اسلام، استقلال و امنیت قضایی شریح بن حارث کندی معروف به شریح قاضی است که به مدت ۵۷ سال علیرغم تحولات متعدد سیاسی در منصب خود در سمت ریاست دادگستری کوفه باقی ماند (خدایی، ۱۳۸۰: ۱۰۱) و یا اینکه در دوران خلافت عمر بن عبدالعزیز، پیرو شکایت مردم مسیحی سمرقند از قتیبه بن مسلم (فرمانده محور شرق لشکر اسلام) بابت عدم رعایت آبی ن جنگ اسلامی در جریان فتح سمرقند، با ارجاع پرونده از سوی خلیفه به احد از قضات به شهرت جمیع بن حاضر باجی، قاضی پس از بررسی های جامع با استقلال و بی باکی تمام و بدون کوچکترین بیمی از ملاحظات و پیامدهای سیاسی موضوع و احتمال برکناری، حکم بر عقب نش ینی سپاه اسلام از سمرقند صادر کرد (بلاذری، ۱۳۳۷: ۲۷۰). استانلی لینیپول<sup>۱</sup>، مستشرق انگلیسی نویسنده کتاب «طبقات سلاطین اسلام»، قا ضی مصر در قرون اولیه اسلامی را دارای سرنوشتی جدای از سرنوشت دیگر عمّال دولتی می داند به طوری که با تعویض چند والی و اطرافیان ا و مقام قاضی همچنان محفوظ می ماند و اگر کسی در نحوه قضاوت و احکام صادره از سوی وی دخالت می کرد به نظرش آسانتر از استعفا چیز ی نبود و محبوبیت قضات تا حدّی بود که والیان هنگام عزل ایشان از خطر نارضایتی و شورش مردم به هراس می افتادند؛ مثلاً «غوث» که از سال ۱۳۵ تا ۵۱۴۰ ق. قاضی مصر بود، مهدی خلیفه را با زنی که از او شکایت کرده بود، برابر گرفت و یا ابن مسروق کندی که از سال ۱۷۷ تا ۸۴ ق. قاضی سرزمین های اسلامی بود در مقابل حاکم سر فرو نمی آورد و به مجالس او حاضر نمی شد و در نتیجه قاضیان پس از وی نیز چ نین کردند (ابراهیم حسن، ج ۲، ۱۳۸۵: ۸۸). امام محمد غزالی مجموعه بسیار قابل تأملی از آموزه های حکمرانی را موسوم به نصیحة الملوک ، خطاب به غیاث الدین ابوشجاع سلطان محمد بن ملکشاه سلجوقی در هفت باب و بیست اصل به رشته تحریر در می آورد که ده اصل را به اصو ل عدل و انصاف با رعیت، و ابواب یک تا شش را به مولفه ها و ابعاد و لوازم حکمرانی قضایی مردم پایه و عدالت گستری فعّال (به نحوی که در چین، حاکم به جای انتظار دادخواهی، امر کرده بود مظلومین، جامه سرخ بر تن کنند تا وقتی وی در جمع مردم حاضر شد ایشان را شناخته و دادشان بستاند) تخصیص داده است؛ (غزالی، ۱۳۱۷: ۱۶، ۵۷، ۶۶). بی شک می توان احکام جوهری تشیع را با ابزارهای محکمی که در ساخ ت آن بدون کوچکترین التقاطی از تجربیات حکمرانی همه تمدن ها و نظام های سیاسی استفاده شده باشد اقامه کرد. قریب به ۱۵ آیه در قرآ ن کریم شامل: اعراف/۱۴۶، یوسف/۱۱۱، عنکبوت/۲۰، نحل/۶۹، نحل/۳۶، یوسف/۱۰۹، حج/۴۶، روم/۹، روم/۴۲، فاطر/۴۴، غافر/۲۱، غافر/۸۲، م حمد/۱۰، آل عمران/۱۳۷ و انعام/۱۱ به اهمیت تاریخ و لزوم مطالعات تاریخی و استفاده از عبرت ها و تجارب پیشینیان که چه بسا قوی تر و م تمدن تر نیز بوده اند پرداخته است؛ (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۳: ۵۲۴)؛ در این پژوهش برای استخراج و طراحی نظریه الگوی حکمرانی قضایی مردم پایه ایرانی- اسلامی از تجارب تاریخی تمدن های دیگر و نظام های قضایی گذشته نیز استفاده شده است. رهبر معظم انقلاب می فرماین د: «عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود...مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان ، فعالان جوان در همه میدان های...و نیز در عرصه های... و عدالت باید شانه های خود را زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه ها و عبرت های گذ شته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته ی اسلامی بسازند» (بیا نیه گام دوم، ۱۳۹۷: ۱۰-۱۱ و ۱۵). از آنجا که متعاقب تبعیت مردم ایران از مذهب تشیع طی قرون متمادی، برابر اصل دوازدهم قانون اساسی:

«دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیرقابل تغییر است» و این بدین معناست که سیاستگذاری ها در نظام جمهوری اسلامی ایران لزوماً می باید به سمتی باشد که همه شئون حکمرانی از سیر و سلوک ائمه هدی (علیهم السلام) و در صدر ایشان، امام علی (ع) تبعیت نماید؛ سنگینی این مدعا زمانی بارزتر می شود که به تعبیر جُرج جُرداق مسیحی که در توصیف امام علی (ع) می نو یسد: «سفارش های امام علی (ع) و نامه های وی به فرمانداران، شاید همیشه به دور محور واحدی می چرخید و آن: «عدالت» بود و به همین دلیل علیه او متحد شدند زیرا علی (ع) منافع نزدیکان خویش را بخاطر حفظ عدالت نادیده می گرفت؛ با زورمندان سازش نداشت و تنها حق را می دید. شاخص ترین ویژگی امام در بین مردم عصر خویش، عدالت بوده است» (جرداق، ج ۱، ۱۳۹۵: ۷۶، ۱۴۴-۱۴۵). امام علی (ع) در خطبه ۱۸ نهج البلاغه، پیرامون رویه مخرّب اهل رأی در مناصب قضایی دوران عثمان که با تشبّث به عقل، تفسیر و اجتهاد مبتنی بر قیاس و استخ سان به عنوان منبع تکمیلی (و نه صرفاً ابزار استنباط) در کنار قرآن و احادیث نبوی مبادرت به استخراج احکام و قضاوت قائم به آراء و فتاوی شخصی می نمودند (مظاهری کوهانستانی و میراحمدی، ۱۳۹۱: ۱۱۹-۱۳۱) می فرمایند: «دعوی نسبت به یکی از احکام نزد عالمی می بردند که با رأی خود حکمی صادر می کند. پس همان دعوا را نزد دیگری می برند که او درست برخلاف رأی اولی حکم می دهد. سپس همه قضات نزد رئیس خود که آنان را به قضاوت منصوب کرده، جمع می گردند او رأی همه را بر حق می شمارد! در صورتی که خدایشان یکی، پیغمبرشا ن یکی و کتابشان یکی است.» (دشتی، ۱۳۸۱: ۵۱). دستگاه قضایی مطلوب از نظر امام علی (ع) باید به نحوی باشد که: «الدّٰلِیْلُ عِنْدِ عَزِیْزِ ح تِیْ اَخَذَ الْحَقَّ لَهْ وَ الْقَوِیُّ عِنْدِ ضَعِیْفٍ حَتّٰی اَخَذَ الْحَقَّ مِنْه» (همان، ۷۱). برای دسترسی به درک واقعی از وضعیت کنونی دستگاه قضایی جم هوری اسلامی ایران سه مانع اساسی وجود دارد: اول) در شاخص های کمی، به غیر از مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه هیچ شخص یا مرجع دیگری بدون تصویب «کمیته ویژه دسترسی» اجازه و امکان آمارگیری ندارد و نسبت به آمار مرکز مذکور نیز منصرف از طبقه بندی برخ ی از آمارها درخصوص آمارهای عادی نیز همگان دسترسی ندارند؛ دوم) در شاخص های کیفی که ناظر بر سنجش عمیق میزان رضایتمندی م ردم و اعتماد عمومی به عملکرد دستگاه قضایی و مقوله احساس عدالت در بین مردم و کلا و احساس استقلال در قضات و احساس امنیت در ا فرادی که علیه شان طرح دعوی شده است می باشد هیچگونه بستری تعریف نشده و می توان گفت عملاً تعطیل است و سوم) حاکم بودن سا یه ترس و وحشت تعقیب کیفری و پرونده سازی قضایی بر سر پژوهشگران، خبرنگاران و منتقدان دلسوز دستگاه قضایی است که حتّٰی نمایند گان مجلس و خود قضات نیز از آن مصون نیستند به نحوی که در جریان مراجعه محقق به ۱۰۰ نفر از قضاتی که در تهران و شهرستان ها مد نظر بودند ۹۳ نفر ایشان بدو حاضر به انجام مصاحبه بلحاظ بیم جدّی از پرونده سازی علیه ایشان توسط مجموعه دادسرای انتظامی قضات نبو دند؛ لذا "درک واقعی مسائل و استخراج نظام چالش ها و بیماری ها" بر خلاف بسیاری از فراخوزه های دیگر در فراخوزه قضایی یک مشکل اسا سی و جدی تلقّی می گردد و این در حالیست که بسیاری از اندیشمندان معتقدند درست کارکردی دستگاه قضایی هر نظام سیاسی، پیشران سایر حوزه های کارکردی بوده و تاثیر شایانی در کارآمدی کلان آن نظام خواهد داشت. یافته های یک تحلیل عاملی که در سال ۲۰۱۵ میلاد ی توسط موسسه شفافیت بین الملل بر مبنای میانگین داده های اعتماد نهادی در ۳۴ کشور جهان که از بانک اطلاعاتی پروژه جهانی شاخص های حکمرانی به وسیله اینگلهات در سالهای ۲۰۰۸-۱۹۸۱ استخراج شده است نشانگر این است که در پایه آماری ۱۰۰۰، به ترتیب ۸۹۹ و ۸۰۶۷ درصد، عملکرد پلیس و نظام قضایی به عنوان عامل نخست با بیشترین سهم در امر ایجاد یا سلب اعتماد مردم به حاکمیت قرار دارد (فاضلی و جلیلی، ۱۳۹۷: ۲۰۱). طبق شاخص ادراک فساد که نشان دهنده میزان فساد است که مردم در جامعه احساس می کنند، ایران در بین ۸۰ کشور جهان، رتبه ۱۳۰ را در اختیار دارد؛ این یعنی وضعیت کشور از ۱۲۹ کشور دیگر دنیا از این نظر بدتر است، یعنی جایگاهی همتر از کشورهای میانمار و گامبیا و پایین تر از کشورهای مالی، لیبیا، جیبوتی، گابون، مالدیو را دارد. بر اساس گزارش عملکرد مرکز حفاظت و اطلاعا ت قوه قضاییه در سال ۱۳۹۵، در این سال ۱۵ هزار میلیارد ریال کارچاق کنی به تعداد ۳۴۴ مورد کشف شده است. این در حالی است که ارزش ش کل کشفیات، ۱۵۲ هزار میلیارد ریال بوده است. این ارقام به این معناست که بیش از ۹۸ درصد کشفیات این مرکز مربوط به کارچاق کن هاست، در واقع به طور میانگین، هر کارچاق کن ۴۴ میلیارد تومان درآمد به دست آورده است. بر اساس تحلیل برخی از صاحب نظران، عدم اح ساس امنیت و اعتماد ارباب رجوع ها نسبت به قضات، سبب توسعه کارچاق کنی و فعالیت این افراد شده است. عدم امکان دسترسی ساده به ق ضات یکی از علل این توسعه شمرده می شود. (اندیشکده محنّأ، ۱۳۹۷: ۸۲-۸۳) در نظام کیفری کنونی ایران، شهادت کذب صرفاً نزد دادگاه، جُرم محسوب می شود و اتیان شهادت کذب نزد ضابطین و قضات دادسرا جرم نیست و این امر موجب خلق و رشد کسب و کار شهادت دروغ در امور قضایی شده است. امام خمینی در این زمینه می فرمایند: «اگر این قوه قضاییه درست بشود، بسیاری از مشکلات کشور درست می شود (بیانات: ۱۳۶۲/۸/۲۹)» «وکلاهی دادگستری و حقوقدانها باید بنشینند راجع به طرز دادگستری برنامه ریزی کنند... این دادگستری، دادگستری نیست! اصل این قضیه فرم غربی است منتها خوب عمل نمی توانند بکنند. ما عیب کارمان این است که از مسائل غربی وقتی میاوریم اینجا، در

اینجا یک نیمه غربی درست می شود و ناقص، و بعد هم برای مملکت ما مناسب نیست (بیانات: ۱۳۶۲/۸/۲۹)؛ «در قانون اسلام برای قاضی شرایطی است که اگر مراعات آن شرایط و دیگر شرایط قانون دادرسی شود کمتر حقی باطل می شود، در صورتی که به اسرع اوقات، کار محاکم ه نیز تمام می شود (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۵۴)؛ رهبر معظم انقلاب نیز در این رابطه می فرمایند: «کسانی که وارد میدان طراحی برای قوه قضائیه می شوند باید از علم و تجربه و هوشمندی برخوردار باشند؛ هم حقوق بدانند، هم فقه اسلامی بدانند، هم با قوه قضائیه آشنا باشند؛ هم ارزیابی درستی از وضع موجود داشته باشند و نقاط قوت و ضعف آن را بدانند، هم نیازهای جامعه را به درستی بشناسند و هم از نظر صاحب نظران ناگونی که در حوزه و دانشگاه هستند درباره مسائل قوه قضائیه بخصوص مسائل کلان آن مطلع باشند؛ بر اساس اینها این طرح به عنوان یک م جموعه کلی ریخته شود. اگر امنیت قضایی به وجود آمد، امنیت سیاسی، امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی، امنیت اخلاقی و امنیت فرهنگی ه م به وجود خواهد آمد» (بیانات در دیدار مسئولان قضایی، ۱۳۸۲/۴/۷). آیت الله مکارم شیرازی در جلسه شصتم ۱۳۵۸/۸/۱۴ مجلس بررسی نه ائی قانون اساسی می فرمایند: «نظام دادگستری با تصویب این قوانین و با مجلس آینده باید به کلی دگرگون بشود» (امور فرهنگی و روابط عم ومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۳: ۱۶۴۵)؛ مسئولیت پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی و تحقق عدالت (به عنوان فلسفه وجودی و ه سته مرکزی ماموریت های قوه قضائیه)، رصد نتایج بازخورد کارکرد کل نظام از طریق نظارت بر حسن اجرای قوانین، تنظیم گری مناسبات ح قوقی در نظام (مهندسی حقوقی کل نظام)، تاثیرات متقابل نظام حقوقی و قضایی بر تحولات اجتماعی و اقتصادی، انتساب مستقیم به ولی فقیه، ریاست مجتهد عادل بر قوه، معماری قوه قضائیه بر اساس فقه اسلامی و جلوگیری از امنیتی شدن نارضایتی های مردم از طریق استماع و پی گیری حقوق عامه از جمله اهمیت اصلاح کارکرد حوزه قضایی می باشد و لذا توفیق یا عدم توفیق نظام جمهوری اسلامی در بسیاری از مولفه ه ای کارآمدی بویژه در تحقق عدالت به عنوان یکی از مهمترین آرمانهای انقلاب اسلامی، وابستگی زیادی به عملکرد این قوه دارد. (اندیشکده مح تا، ۱۳۹۷: ۴۴-۷۶). نماینده دبیرکل سازمان ملل متحد در سخنرانی خود در جمع دیده بانان حقوق بشر در آوریل ۲۰۰۸ (فروردین ۱۳۸۷) خ طاب به آنان چنین گفت: «... بهترین و ساده ترین شیوه برای تشخیص میزان رعایت حقوق بشر و آزادی های بنیادین فردی و جمعی شهروندا ن یک کشور از سوی دولت متبوعشان، بررسی آرای صادره از سوی محاکم آن کشور است؛ اگر بررسی آرای فوق، اجرای عدالت را به خوبی نشا ن دهد دیگر نیازی به بررسی های نامحسوس و محسوس دیگر که معمولاً مستلزم صرف هزینه بوده و به سختی صورت می گیرد نیست، زیرا ر ای یک دادگاه، آینه اجرای قانون است...» (معاونت پژوهش های فقهی و حقوقی، ۱۳۹۰: ۳۲۹) از این حیث قوه قضائیه حلقه بازخورد در معمار ی کلان حکمرانی جمهوری اسلامی است که می تواند موجبات تعالی و ارتقای کل سیستم را فراهم کند؛ در رابطه با مسأله این پژوهش باید گفت با عنایت به اینکه یکی از مولفه های فرآیند تعیین سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران توسط رهبر معظم انقلاب توجه به مس ثله محوری است (برهان، ۱۳۹۵: ۴)؛ و ایشان در این رابطه می فرمایند: «پرداختن به کارهایی که به جنبه های عملی زندگی مردم ارتباطی ندار د، یک کار مُسرفانه است» (بیانات: ۱۳۸۵/۸/۱۸)؛ و «جدا کردن مسائل اصلی از فرعی، مسائل درجه ی یک از مسائل درجه دو، سرگرم نشدن به مسائلی که از اولویت برخوردار نیستند و شناختن این مسائل، از عرصه های شور و شوق دانشجویی و دانشگاهی است» (بیانات در دیدار با دان شجویان: ۱۳۹۲/۵/۶) با اهتزاز از پیش فرض ها و مسائل ادراکی محقق و استفاده از روش داده بنیاد، ۳۲۰ مسأله در حوزه قضایی کشور شناسا یی و سپس در قالب نظام مسائل یکپارچه با رویکرد علی-معلولی مورد اولویت بندی قرار گرفته و با این فرض که مسأله را «شکاف بین وضع مو جود و وضع مطلوب» (عقبائی جزئی، ۱۳۹۶: ۳۶۹) بدانیم در سطح کلان و ملی و رویکرد پیشینی کماکان با استفاده از روش تحقیق زمینه ای و مراجعه به اسناد و منابع مکتوب و مصاحبه و درک تجربیات عینی و مشاهدات مشارکتی [۱]؛ محقق در سالهایی که به عنوان قاضی دادگستر ی در تهران فعالیت نموده و بهره گیری از رهنمودهای امامین انقلاب و سخنرانی های روسای قوه قضائیه و تجارب تاریخی موجود و منابع مع تبر اسلامی به ترتیب پیش روی با قلمرو موضوعی محکمه داری و «رسیدگی به تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات « موضوع بند ۱ اصل ۱۵۶ قانون اساسی طرح الگوی حکمرانی قضایی مردم پایه ایرانی-اسلامی ارائه گردیده است.

## ۲- مبانی نظری و پیشینه تجربی

### مبانی نظری

آشنایی با اصطلاحات:

حکمرانی<sup>۱</sup>: حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه میان شهروندان و حکومت کنندگان اطلاق می شود، کتل<sup>۲</sup> در کتاب خود با عنوان «مفهوم حکمرانی»، حکمرانی را به معنای یکپارچگی حکومت می داند؛ (رخشانی، ۱۳۹۶: ۹)؛ برنامه توسعه سازمان ملل، حکمرانی را در برگیرنده ساز و کارها و فرآیندها و سازمانهایی می داند که شهروندان و گروههای مختلف و احزاب بتوانند علایق خود را پیگیری و حقوق خود را مطالبه و محدودیت های خود را شناسایی و تعارضات خود را حل کنند. فردریکسون<sup>۳</sup> (۱۹۹۱) و سالامون<sup>۴</sup> (۲۰۰۲) پارادایم حکمرانی را به مثابه ی دولت غیرمستقیم می دانند. حکمرانی مدیریت دولتی نوینی است که پیش درآمد روش های مدیریت بخش های خصوصی و غیرخصوصی است و انگیزه همکاری تجاری برای بخش های دولتی را بوجود می آورد. حکمرانی یعنی اتحاد مدیران دولتی با مردم. حکمرانی شامل تعاملات بین نهادهای عمومی، بخش خصوصی و جامعه مدنی است که در هر حکومت سهیم هستند و هدف آنها حل مسائل اجتماعی و ایجاد فرصتهای اجتماعی است؛ فردریکسون، حکمرانی را تلاشی برای درک جانبی و نهادی روابط در دولتها معرفی می کند و اینکه در هر حال بازیگران دولتی و اجتماعی چگونه در حل مسائل عمومی همکاری می کنند. در پارادایم حکمرانی، چیزهایی را درباره حکومت فراموش می کنیم و سوال اصلی این است که چگونه جامعه، کارها را هدایت می کند؟ حکمرانی، فعل و انفعالاتی است که در آن بخش دولتی، سازمانهای شبکه ای مردم محور و جامعه مدنی با هدف حل مشکلات اجتماعی و یا ایجاد فرصت های اجتماعی در آن شرکت می کنند. حکمرانی به معنی یکپارچگی حکومت<sup>۵</sup> و شبکه های خودسازمان<sup>۶</sup> است. بوسترام<sup>۷</sup> (۲۰۱۱) حکمرانی را مجموعه تمامی همکاری های موجود از مجموع هماهنگی های مسائل اجتماعی، نهادهای خودتنظیم<sup>۸</sup> اجتماعی بین بازیگران بخش های دولتی و خصوصی و وظایف رسمی بازیگران دولتی تعریف کرده است. در پارادایم حکمرانی، وظیفه دولت راهبری جامعه است و شهروندان به عنوان مشتری و یا رای دهنده تلقی نمی شوند بلکه به عنوان مشارکت کننده، آموزش دهنده و یا سازمان دهنده فعالیتها محسوب شده و مجریان دولتی نه بعنوان تدارک دهندگان خدمات بلکه به عنوان هماهنگ کننده و حل کننده مشکلات شناسایی می شوند. تغییر جهت از پارادایم دولت<sup>۹</sup> به پارادایم حکمرانی<sup>۱۰</sup> باعث می شود علاوه بر روابط عمودی<sup>۱۱</sup> با دولت، تعامل بین ذینفعان در روابط افقی<sup>۱۲</sup> نیز دیده شود/ ذی نفعان برای حل مشکلات مشترک با یکدیگر همکاری کرده و از مذاکره و گفتگو برای شناسایی تفاوت ها استفاده می کنند؛ در پارادایم حکمرانی، سازمان دهندگان و یا کارکنان بخش دولتی نقش مربی<sup>۱۳</sup> را ایفا می کنند در حالیکه شهروندان، جلو و در مرکز هستند؛ اگر شهروندان بتوانند کاری را انجام دهند دولت چیزی برای آنها انجام نمیدهد؛ سازمانهای اجتماعی صرفا برای قانونگذاری به دولت احتیاج دارند و لاغیر و به تعبیری دموکراسی به نحو مشارکتی<sup>۱۴</sup> و مردم سالارانه بروز می کند. پاسخگویی حکمران در برابر همه شهروندان و نه فقط صاحبان قدرت برای ایجاد یک گفتگوی فراگیر<sup>۱۵</sup> درباره آینده و افزایش ظرفیت جامعه بمنظور امکان مشارکت ایشان در برنامه ریزی و تصمیم گیری امری مسلم است. در این پارادایم بر تعامل دولتها، جامعه

<sup>۱</sup> Governance

<sup>۲</sup> ketell

<sup>۳</sup> feredrickson

<sup>۴</sup> salamon

<sup>۵</sup> integrity of state

<sup>۶</sup> self-organization networks

<sup>۷</sup> bostram

<sup>۸</sup> self-regulated institions

<sup>۹</sup> state paradigm

<sup>۱۰</sup> governance paradigm

<sup>۱۱</sup> vertical relationships

<sup>۱۲</sup> horizontal relationships

<sup>۱۳</sup> wizenberg

<sup>۱۴</sup> participatory democracy

<sup>۱۵</sup> comprehensive conversation

مدنی<sup>۱</sup> و مجامع بازرگانی<sup>۲</sup> و استفاده از تمامی ظرفیت جامعه تاکید می گردد و کلمه شهروند بعنوان حل کننده مشکلات عمومی تعریف می گردد. رویکرد دولتها در مدیریت و حکمرانی اولاً بنا به نقشی که برای دولت و شهروندان از بالا به پایین و برعکس تعریف می گردد و ثانياً با بررسی روابط دولت با سازمانهای اجتماعی و شهروندان مشخص می شود. چابک سازی دولتها بعنوان یک پارادایم شیفت و جابجایی رویکرد از دولت محوری<sup>۳</sup> به شهروند محوری<sup>۴</sup> و خلق مفهوم حکمرانی نوین دولتی<sup>۵</sup> (ارتقای جایگاه دولت از مدیریت به راهبری جامعه و استفاده از همه ظرفیت جامعه) در این پارادایم بسیار مورد توجه است (عقبائی جزنی، ۱۳۹۶: صص ۱۰۶، ۱۱۲، ۱۱۴، ۲۶۶، ۲۸۸ و ۳۰۱)؛ حکمرانی دارای مبانی (مباحث نظری)، مولفه ها (ویژگی های) که اطلاق اصطلاح حکمرانی را بر نحوه اعمال قدرت نظام یا رژیم سیاسی یک کشور ممکن می سازد، شاخص ها (آیتم هایی که به وسیله آنها می توان عیار حکمرانی را اندازه گیری کرد و سنجید)، ابعاد (زمینه های تخصصی اعمال قدرت اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، قضایی و ...) و ارکان (حاکم، قانون، قلمرو سرزمینی، امنیت، حدود قضایی، عدالت عمومی)، متعددی است. (رخشانی، ۱۳۹۶: ۱۲). به عبارت ساده تر به عقیده محقق، ما زمانی می توانیم بگوییم یک نظام خط مشی گذاری، حکمرانی می کند که اولاً سیاستگذاران در همه مراحل سیاستگذاری، اجرا، نظارت و ارزیابی از ظرفیت همه بازیگران و ذینفعان امور عمومی شامل دولت، مردم، سازمانهای مردم نهاد و تشکلهای تعاونی و صنفی استفاده نماید؛ ثانياً از شفافیت و مطالبه گری نهراسد و بلکه مشتاقانه بستر لازم را برای مشارکت همه گیر فراهم نماید؛ و ثالثاً از کاستن قدرت دولت در حوزه عمومی و تقسیم آن در بین بازیگران غیردولتی و در یک عبارت از اعطای قدرت به مردم بیمناک نیست و اجازه نمی دهد دولت - که ذاتاً میل به بزرگ شدن دارد - به بهانه های امنیتی، قدرت را در انحصار خویش نگاه دارد؛ کماکه آقای دکتر عقبائی جزنی، جاه طلبی مدیران دولتی را بعنوان بزرگترین چالش حکمرانی دانسته است (عقبائی جزنی، ۱۳۹۶: ۱۱۶). سیاستگذاران در الگوی حکمرانی، همواره دولت را چابک نگاه میدارند تا بتوانند پدرگونه به وظایف اصلی حکمرانی شامل تنظیم گری، سازماندهی، آموزش، حمایت، مانع زدایی<sup>۶</sup>، نظارت و بهبود مستمر بپردازد. می توان گفت برای نیل به سطح حکمرانی، نیت کافی نیست و «قلت تهدیدات امنیتی داخلی»، «انسجام ملی و اعتماد نظام های سیاسی به مردم و بازیگران غیردولتی» و «ایجاد و توسعه زیرساخت های مشارکت جدی مردم و بخش های غیردولتی» سه رکن اصلی در امکان تحقق عملی رویکرد حکمرانی در هر کشور است. باید دانست که ملتی که توانایی حکومت بر خود، یا توسعه منابع طبیعی خویش را از دست داده باشد، ناگزیر طعمه ملت هایی خواهد شد که از فرط قدرت و حرص رنج می برند (دورانت، ۱۳۸۲، ج ۱: ۶۹۰). جالب است بدانیم رهبر معظم انقلاب در این رابطه با تاکید بر «کلیدی بودن نقش مردم در پیشبرد همه امور کشور» می فرمایند: «مردمی بودن حکومت، یعنی نقش دادن به مردم در حکومت؛ یعنی مردم در اداره حکومت و تشکیل حکومت و تعیین حاکم نقش دارند» (بیانات، ۸۰/۳/۱۶) کار دست مردم، صحنه دست مردم، ابتکار عمل دست مردم؛ این هنر امام بود؛ صحنه را داد دست صاحبان کار؛ صاحب کشور کیست؟ مردم. کار وقتی دست خود مردم سپرده شد - که صاحبان کشورند، صاحبان آینده اند - آن وقت کارها به سامان خواهد رسید. تدبیر مسئولان در هر برهه ای از زمان در دوران جمهوری اسلامی، باید این باشد؛ کارها با تدبیر، با برنامه ریزی، با ملاحظه های همه ی ظرایف و دقایق در اختیار مردم گذاشته بشود؛ آن وقت کارها پیش خواهد رفت. ما هم از اول انقلاب تا امروز هر وقتی هر کاری را محول به مردم کردیم، آن کار پیش رفته است؛ هر کاری را انحصاری در اختیار مسئولان و رؤسا و مانند اینها قرار دادیم، کار متوقف مانده است. نمیگوییم حالا همیشه هم متوقف مانده اما غالباً یا متوقف یا کند [شده]؛ اگر متوقف نمانده است، کند پیش رفته است. اما کار دست مردم که افتاد، مردم کار را خوب پیش میبرند این مخصوص ما هم نیست؛ هر جور کاری، سخت ترین کارها، کارهای نظامی، کارهای امنیتی، دست مردم وقتی افتاد، صحنه وقتی در اختیار مردم قرار گرفت، پیش خواهد رفت. (بیانات، ۹۳/۱۱/۲۹)؛ متفکرین علوم اجتماعی برای حکمرانی مطلوب، شاخص هایی را تعریف کرده اند که عبارت است از: ۱. داشتن اجماع عمومی، ۲. وجود مشارکت مردمی در تمام سطوح

<sup>۱</sup> civil society

<sup>۲</sup> commercial communities

<sup>۳</sup> stste core

<sup>۴</sup> citizen cor

<sup>۵</sup> new public governance

<sup>۶</sup> facilitator

اجتماعی، ۳. قانون‌گرایی به عنوان یک اصل محوری، ۴. شفافیت در عملکرد مسئولین، ۵. احساس مسئولیت در رابطه با اجتماع و جایگاه اداری، ۶. سودمندی و کارایی سازمانها و دولت، ۷. نگرش استراتژیک و برنامه ریزی کوتاه مدت بر اساس آن، ۸. رعایت کامل حقوق شهروندی (رخشانی، ۱۳۹۶: ۱۰)

جدول شماره ۱- مولفه های اساسی حکمرانی خوب از منظر بانک جهانی			
۱	مشارکت <sup>۱</sup>	۵	توجه به وفاق عمومی <sup>۲</sup>
۲	حاکمیت قانون <sup>۳</sup>	۶	برابری همگان مقابل قانون <sup>۴</sup>
۳	شفافیت <sup>۵</sup>	۷	اثربخشی و کارایی <sup>۶</sup>
۴	پاسخگویی <sup>۷</sup>	۸	مسئولیت پذیری <sup>۸</sup>

وجود آزادی بیان و اظهار نظرات شهروندان اعم از توده‌ی مردم و تشکل‌های مدنی در نحوه‌ی اداره جامعه در سطوح داخلی و خارجی و فراهم بودن بستر ترتب اثر بر این نظرات و خواسته‌ها و حتی تمهید امکان مداخله و مشارکت اجرایی مردم در اداره‌ی امور یکی از مولفه‌های حکمران خوب محسوب می‌شود. مشارکت مردم علاوه بر نفی استبداد موجب تمرکز منابع بر اهداف واقعی در حوزه سیاستگذاری عمومی می‌گردد. حکمرانی خوب بدون وجود نهاد قانون‌گذاری متمرکز و هوشمند و نگرش استراتژیک و بدون وضع قوانین جامع و مانع و سپس حسن اجرای این قوانین و نظارت موثر و ترمیمی بر تخلفات ممکن نیست. فقدان یا بی‌نظمی و غیرمتمرکز بودن قوانین و تشتت نهادهای قانونگذار و نبود ساختارها و فرآیندهای مستحکم برای اجرای قوانین و دستگاه قضایی متزلزل و ناکارآمد و فاسد از جمله آسیب‌های حاکمیت مطلوب است. جریان آزاد اطلاعات و دسترسی عموم به آنها و آزادی کامل رسانه‌ها در رصد و اعلان و نقد اطلاعاتی و خبری تصمیمات و اقدامات حکمرانان موجب جلوگیری از تشکیل فساد علیه منافع عمومی و همچنین مانع بدبینی مردم به حکمرانان خواهد شد. همه اشخاص و ارکان حکومت اعم از ستادی و اجرایی و نظارتی می‌باید مقابل ذی‌نفعان و منتقدان و تشکل‌های صیانتی پاسخگو باشند و سرکوب کردن پرسش و طفره رفتن از پاسخ، بی‌شک از عوامل تضعیف کارکرد حکومت‌ها می‌باشد. بدترین حالت ممکن اجرای ضمانتهای قانون علیه مردم و اعمال حمایت‌های قانون نسبت به خواص است. به نظر میرسد با مذاقه در برخی اسناد تاریخی، توجه به رویکرد حکمرانی در قالب تشبیه حکومت به بدن انسان و اعطای نقش‌هایی چون "مغز به سیاستگذاران"، "شبکه عصبی به مشارکت مردم و بخش‌های غیردولتی در امر سیاستگذاری و نظارت"، "اعضای بدن به همه‌قوای اجرایی"، "خون به ثروت عمومی در گردش" از قدیم الایام در بین متفکرین شیعه و سایر حکما و فلاسفه عالم مطرح بوده است؛ برای مثال امام علی(ع) پیرامون حکمرانی می‌فرماید: «زامدار مانند کسی است که بر شتری سرکش سوار است اگر عنان محکم کشد پرده‌های بینی حیوان پاره می‌شود و اگر آزادش گذارد در پرتگاه سقوط می‌کند» (دشتی، ۱۳۸۱: ۳۸) و یا می‌توان به استدلال هشام بن حکم برای اثبات ضرورت وجود امام معصوم در رأس حکومت، در مجلس زندیق که به زعامت عمرو بن عبید در مسجد بصره برگزار شد (کلینی، ۱۳۵۶: ص ۲۳۸-۲۴۰) اشاره کرد؛ توماس هابز<sup>۹</sup> نیز در سال ۱۶۵۱ میلادی در کتاب خود تحت عنوان «لیویاتان<sup>۱۰</sup>» با استفاده از رویکرد استقرایی و بهره‌برداری از تمثیل‌های ابزاروار و انداموار، دولت را همچون انسان مصنوعی قلمداد می‌کند؛

- 
- Participation<sup>۱</sup>
  - Consensus oriented<sup>۲</sup>
  - Rule of law<sup>۳</sup>
  - Equity and inclusiveness<sup>۴</sup>
  - Transparency<sup>۵</sup>
  - Effectiveness and efficiency<sup>۶</sup>
  - Responsiveness<sup>۷</sup>
  - Accountability<sup>۸</sup>
  - Thomas Hobbes<sup>۹</sup>
  - Leviathan<sup>۱۰</sup>

حاکمیت همچون روحی مصنوعی است که به کل بدن، زندگی و حرکت می بخشد و در آن، قضات و حکام و دیگر کارگزاران قوه قضائیه و مجریه، همچون مفاصل مصنوعی هستند؛ (هابز، ۱۳۸۰: ۹، ۷۱، ۱۹۷-۲۶۶). حکمرانی اسلامی نیز عبارت است از اتخاذ و اجرای سیاستهای متکی بر سعادت محور بودن و توجه به هر دو بعد و ساحت انسان (مادی و معنوی) در جهت ایجاد جامعه ای مناسب برای رشد و تکامل همه جانبه ی انسان و با رعایت مصالح دنیا و آخرت عموم انسانها و پرهیز از سلطه گری ناروا و ابتناء بر قسط و عدل و نفی هر گونه ظلم و ستم ، استبداد ، استثمار ، استعباد و در نهایت اجرای حدود الهی در جامعه (عیوضی، ۱۳۹۰: ۵) در دو سطح داخلی و خارجی؛ حکمرانی اسلامی شیوه اداره، و سرپرستی و اعمال ولایت الهی توسط دولت اسلامی است. (رضایی و سایرین، ۱۳۹۰: ۴)؛ برای حکمرانی اسلامی مولفه های متعددی علاوه بر مولفه های فوق الذکر افزوده شده است. با عنایت به توضیحات فوق، سوال اینجاست که به راستی در فراهوزه قضایی، استفاده از ظرفیت میانجیگری و سازمان های مردم نهاد (بوپژه در امور غیرکیفری و امور خانواده و یا جرائم قابل گذشت) چه جایگاهی دارد؟ اینکه آیا در ایران زیرساختهای ضروری مردم سالاری از قبیل سازمانهای شبکه ای<sup>۱</sup> مستقل و خودتنظیم گر مردم محور وجد دارد یا خیر؟ آیا در صورت وجود چه نقشی در تدوین خط مشی های قضایی و سپس اجرا و کنترل و ارزیابی آن دارد؟ آیا حقیقتاً شبکه رسانه ای مستقل و فعال برای رصد چالش ها و مسائل قضایی کشور داریم؟ آیا سیاستگذاران قوه قضائیه تمایلی بر خارج کردن امور غیرقضایی (همچون سازمان ثبت اسناد و املاک، سازمان پزشکی قانونی) از قوه قضائیه و تخصیص توان آزاد شده برای سایر ماموریت های قانونی برجای مانده این قوه دارند؟ برای نمونه در دستگاه قضایی امریکا مسئولیت اجرای قوانین مربوط به مهاجرت یازده میلیون مهاجر غیرقانونی با قوه مجریه و دولت است که در این راستا ۵۰۰۰ مقام رسمی در کل امریکا و ۱۰۰۰۰ پلیس در بخش لس آنجلس و ۳۵۰۰۰ پلیس در نیویورک به استخدام دولت در آمده اند، حال اگر این بار سنگین، با توجه تلازم آن با حقوق مهاجرین بر دوش دستگاه قضایی می بود آیا این دستگاه می توانست در تفسیر قانون اساسی امریکا با قوت عمل کند؟ یا مدافع جدی حقوق اجتماعی و اقتصادی زندانیان باشد؟ همینطور است روند شکایات قانونی علیه معلمین و سایر متصدیان مشاغل در نیویورک که در سیستم متبوع رسیدگی می شود و دستگاه قضایی در آن مداخله ندارد (ترامپ، ۱۳۹۷: ۱۱، ۴۳، ۷۵، ۱۳۶). امام خمینی ره در کتاب کشف الاسرار پیرامون شاخص های دستگاه قضایی شایسته می نویسد: «در جریان یک محاکمه آنچه مطلوب است آن است که اولاً هر چه زودتر کار تمام شود و طرفین سراغ کارهای دیگر خود بروند؛ و ثانیاً آنکه ضررهای غیرشرعی به طرفین نرسد؛ و ثالثاً محاکمه طوری انجام بگیرد که حتی الامکان حف به صاحبش برسد. قانون اسلام این سه چیز را به طوری مراعات کرده که اگر طبق قانون، محاکمه جریان پیدا کند و شرایط قاضی و شاهد و محاکمه مراعات شود ناچار این سه چیز تأمین می شود یا دست کم به یکی دوتای از اینها می رسند» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۹۹).

ظرفیت حکمرانی<sup>۲</sup>: ظرفیت حکمرانی، موضوعی است که در پارادایم حکمرانی مطرح شده و مورد تاکید قرار می گیرد، زیرا در این پارادایم است که نقشی برای بازیگران مختلف جامعه در نظر گرفته شده و ظرفیت و توانایی آنان در توسعه و پیشرفت جامعه بکار گرفته می شود. واژه ظرفیت، اغلب به عنوان توانایی فرد، گروه، سازمان و دولت در انجام اقدامات اثربخش و مداوم برای دستیابی به اهداف تعبیر می شود. در این رابطه چهار نوع ظرفیت شامل ظرفیت عقلانیت<sup>۳</sup>، ظرفیت مشروعیت<sup>۴</sup>، ظرفیت خط مشی گذاری عمومی<sup>۵</sup> و ظرفیت چابک سازی<sup>۶</sup> (عقبائی جزنی، ۱۳۹۶: ۱۹۵)

<sup>۱</sup> network society

<sup>۲</sup> Governance capacity

<sup>۳</sup> Rationality Capacity

<sup>۴</sup> Legitimacy Capacity

<sup>۵</sup> Public Policy Making Capacity

<sup>۶</sup> Agility Capacity

بوروکراسی<sup>۱</sup>: این واژه ابتدا به دولت در حال عمل اطلاق شد و بالاخره توسط ماکس وبر<sup>۲</sup> به عنوان یک اصطلاح علمی بکار رفت؛ سه نظریه غالب در تعریف بوروکراسی عبارتند از: ۱- تعریف برحسب ویژگی ساختاری: از نظر تامپسون<sup>۳</sup> سازمان بوروکراتیک عبارت است از یک سلسله مراتب اختیار کامل که بر یک تقسیم کار کامل اعمال می شود و هال<sup>۴</sup> معتقد است سلسله مراتب دقیق، تقسیم کار برحسب تخصص، وجود یک نظام قوانین که بر اختیارات و تکالیف متصدیان امور احاطه دارد، وجود مجموعه ای از روش ها برای انجام امور، غیرشخصی بودن روابط بین اشخاص، گزینش و ارتقاء بر مبنای شایستگی از اهم ویژگی های یک سازمان بوروکراتیک است؛ ۲- تعریف برحسب ویژگی رفتاری: مرتون<sup>۵</sup> با تاکید بر رفتار منفی بوروکراسی معتقد است: عواملی باعث افزایش کارایی می شود و همین عوامل در شرایط خاص باعث عدم کارایی می شود. بعنوان مثال توجه بیش از حد به قوانین، موجب ترس کارکنان می شود؛ یا تاکید بر غیرشخصی کردن روابط منجر به تعارض بین بوروکراسی و ارباب رجوع می شود. بنابراین حرکات ماشینی، کاغذبازی، خشکی و عدم انعطاف، عدم اشتیاق به تفویض، غیرشخصی بودن روابط از جمله رفتارهای منفی بوروکراسی است؛ ۳- تعریف برحسب ویژگی های رفتاری و ساختاری: پیتر بلا<sup>۶</sup> معتقد است بوروکراسی یک سازمان برای حداکثر کردن کارایی است و ویژگی های ساختاری و رفتاری بر حسب زمان و مکان تغییر می کند و مطلق نیست و بعضی رفتارها ممکن است در یک بوروکراسی ناقص و بیماری زا و در بوروکراسی دیگر سلامت بخش باشد. (عقبائی جزنی، ۱۳۹۶: ۷۱-۷۶). بطور کلی ابعاد مشترک بوروکراسی عبارتند از: سلسله مراتب، تخصص گرایی ناشی از تقسیم کار (نقش)، توانایی یا شایستگی متناسب با شغل، سیستم ثبت و ضبط سوابق، قوانین و مقررات برای هدایت کارکنان. سازمانی سلسله مراتبی که به شکل هرم اقتدار است. به گفته وبر، بوروکراسی کارآمدترین نوع سازمان های بزرگ است. هر چه سازمان بزرگ تر باشد به ناچار خصوصیات بوروکراتیک بیشتری پیدا می کند (گیدنز، ۱۳۸۹: ۹۸۷)؛ مفهوم مدیریت دولتی از درون بوروکراسی، متولد شده و در ترکیب با اصول کارآیی، روشها و اقدامات بخش خصوصی و سازوکارهای بازار به مدیریت نوین دولتی ارتقا یافت. در بوروکراسی دولت باید لزوماً در ارائه خدمات بعنوان کارشناس و نخبه<sup>۷</sup> و حتی مجری و ناظر اقدام کند.

## جدول شماره ۲- مقایسه دو پارادایم مدیریت دولتی و حکمرانی

شاخص ها	پارادایم مدیریت دولتی (پارادایم دولت)	پارادایم حکمرانی
مسئولیت اجرایی	دولت	بخش خصوصی، تعاونی و مردم
ماهیت اصلی	ارائه کننده خدمات	راهبری جامعه
نقش کارکنان	تدارک دهندگان و ارائه کنندگان خدمت	توسعه و تفهیم دانش و اجماع سازی
نقش دولت محلی	اجرا، اداره امور و نماینده توسعه اقتصادی	آموزش دهنده و سازمان دهنده
نقش شهروندان	مشتری، رای دهنده و انتخاب کننده	مشارکت کننده و صاحبان جامعه
دموکراسی [۲]	دموکراسی نمایندگی <sup>۸</sup>	دموکراسی مشارکتی
سازوکار مشارکت	جلسه های بزرگ و عمومی	گروه های مشاوره رسمی و غیررسمی
موضوعات کلیدی	اقتصادی	اجتماعی

<sup>۱</sup> Bureacracy

<sup>۲</sup> Marx Weber

<sup>۳</sup> Tompson

<sup>۴</sup> Hall

<sup>۵</sup> Merton

<sup>۶</sup> Peter Blan

<sup>۷</sup> expert

<sup>۸</sup> representative democracy



حکمرانی اقتضایی<sup>۱</sup>: یکی از سوالهای جدی در حوزه ادبیات اجرای خط مشی این است که چرا برخی از خط مشی ها علیرغم برتری بنیه علمی و قدرت پیش بینی نتایج و نظارت و ارزیابی جامع و مستمر در مرحله اجرا با شکست مواجه شده و از دست یابی به اهداف ترسیمی موفق نمی گردند؟ پاسخ به این سوال در قالب تبیین "مفهوم حکمرانی در اجرای خط مشی" نمود عینی پیدا میکند. به عبارت بهتر هر زمان دستگاه مجری، از منظر حکمرانی به اجرای خط مشی مبادرت ورزد، خروجی<sup>۲</sup> خط مشی بر پیامد<sup>۳</sup> و تاثیر<sup>۴</sup> آن منطبق بوده و علاوه بر دستیابی به اهداف پیش بینی شده توسط تدوین کنندگان<sup>۵</sup> رضایت مجریان و سایر ذینفعان<sup>۶</sup> را به همراه خواهد داشت. برای اجرای اثربخش خط مشی از منظر حکمرانی، دولت، محور حکمرانی است که در ادبیات اجرا به حکمرانی برتر<sup>۷</sup> معروف است. این حکمران برتر در صورتی موفق به طراحی و مدیریت سبک های ایده آل حکمرانی در اجراست که به ازای هر خط مشی خاص، سبک حکمرانی مختص به آن خط مشی را طراحی و مدیریت نماید. این حکمرانی خاص هر خط مشی، به حکمرانی اقتضایی معروف است. در حکمرانی اقتضایی بلحاظ تمرکز این نوع از حکمرانی بر تغییرات اجتماعی، بالابودن ظرفیت عقلانیت بسیار تعیین کننده است. (عقبائی جزئی، ۱۳۹۶: ۱۶۱ و ۲۰۲). به عقیده دکتر محمدجعفر حبیب زاده نظام عدالت کیفری باید به تبع حاکمیت، در سنجه شاخصه های شش گانه حکمرانی خوب که بانک جهانی و کمیسیون حقوقی سازمان ملل اعلام کرده است مورد مذاقه و ارزیابی قرار گیرد (معاونت پژوهش های فقهی و حقوقی، ۱۳۹۰: ۱۲۲) لیکن حکمرانی قضایی علیرغم اینکه بعدی از ابعاد حکمرانی فراگیر می باشد لیکن باید دید آیا مولفه های خاص خود را خصوصاً با در نظر گرفتن اقتضائات مشترک همه انقلاب ها- مشابه آنچه ژان پل سارتر در جریان مشاهدات خود از شرایط بعد از پیروزی انقلاب دوم کوبا (انقلاب ۲۶ ژانویه ۱۹۵۹ میلادی) در رابطه با برخورد قضایی با قمارخانه ها نقل می کند(سارتر، ۱۳۵۷: ۱۰۹-۱۱۲)، سیره مضبوط از معصومین(ع)، مبانی و اصول نظری انقلاب اسلامی و شرایط سیاسی و فرهنگی جامعه ایران دارد یا تابع مولفه های عمومی مذکور است.

## پیشینه تجربی:

### جدول شماره ۳- پروژه تحقیقاتی

ردیف	عنوان	نویسندگان	مشخصات	روش	سوال	فرضیه	نتیجه
۱	تغییر در حکمرانی قضایی	اندیشکده محنتا	اندیشکده محنتا -۱۳۹۷	داده بنیاد از طریق مطالعه گزارش ها و پژوهش های پیشین و تجارب کشورهای موفق و ۵۵۰ مصاحبه	محیط حقوقی و قضایی کشور بویژه قوه قضائیه به عنوان مهمترین مولفه محیطی اقتصاد و پیشرفت	علت اصلی ناکارآمدی و شکستهای سیاستی قوه قضائیه غلبه تفکر رسیدگی و رویکردی پسینی به موضوعات در خط مشی گذاران قضایی بوده است.	تمرکز پروژه بر «ارائه راهکارها و پیشنهاداتی سیاستی با ابزار فناوری های نرم و بر مبنای تفکر سیستمی در جهت پیشگیری از وقوع جرایم و تخلفات، شامل: تحلیل ۱۰ پیشنهاد در کاهش

<sup>۱</sup> contingency governance

<sup>۲</sup> Output

<sup>۳</sup> outcome

<sup>۴</sup> impact

<sup>۵</sup> top-down

<sup>۶</sup> bottom-up

<sup>۷</sup> meta-governance

نرخ ورودی پرونده ها؛ ارائه ۴ پیشنهاد در حوزه رویکردی قوه قضائیه؛ باز تعریف ماموریت های قوه قضائیه در حکمرانی کلان نظام؛ تشریح ۱۱ آسیب جدی موجود در حوزه قضایی کشور؛ تبیین ۵ عامل تشدید کننده و ۴ عامل ریشه ای بعنوان موانع تغییر در وضعیت مدیریتی قوه؛ ارائه ۶ پیشنهاد کلان و ۸ پیشنهاد موضوعی بعنوان راهکارها	کشور، از حیث رویکردی و عملکردی چه آسیب هایی دارد و سیاستها و راهکارهای اصلاحی آن چیست؟	پژوهشی و هم اندیشی				
---	--	--------------------	--	--	--	--

#### جدول شماره ۴- رساله ها

ردیف	عنوان	نویسندگان	مشخصات	روش	سوال	فرضیه	نتیجه
۱	ارائه الگوی راهبردی اداره امور نظام قضایی از طریق تدوین تجارب نظام ج.ا.ا و بر اساس گفتمان ولایت فقیه و قانون اساسی	استاد راهنما: دکتر اصغر جهانگیر محقق: سعید دهقان	۱۳۹۵- دانشکده مدیریت دانشگاه عالی دفاع ملی	روش داده بنیاد و روش تحلیل مضمون	وفق تجارب نظام ج.ا.ا و گفتمان ولایت فقیه و قانون اساسی، برای اداره امور نظام قضایی چه الگویی می توان ارائه داد؟	با توجه به روش پژوهش که داده بنیاد می باشد، پژوهش فاقد فرضیه است	ارائه نمودار نظری مدور از مفاهیم، مقولات و مضامین مستخرج از کدگذاری های باز، محوری و منتخب بدون ارائه الگوی راهبردی
۲	استقلال قضایی در حقوق کیفری ایران و اسناد بین المللی	استاد راهنما: دکتر محمدجعفر حبیب زاده	۱۳۹۰- دانشگاه تربیت مدرس	مطالعه موردی - زمینه ای و تطبیق از	استقلال قضایی در حقوق کیفری	استقلال قضایی در اسناد بین المللی به عنوان تضمین کننده امنیت قضایی	توجه کافی و لازم بر اصل استقلال قضایی در ایران به

مانند سایر کشورها انجام نشده است	شهروندان شناخته شده اما در حقوق کیفری ایران بلحاظ موانع قانونی- ساختاری و رفتاری فاقد جایگاه مناسب است.	ایران و اسناد بین المللی، چه جایگاهی دارد و موانع تحقق آن کدام است	طریق جمع آوری اطلاعات اسنادی	محقق: قاسم کرامت	
----------------------------------	---	--	------------------------------	------------------	--

### جدول شماره ۵- مقالات

ردیف	عنوان	نویسندگان	مشخصات	روش	نتیجه
	بررسی مولفه های اساسی حکمرانی خوب در نظام قضایی ایران	مهساجد زنگنه- ابوالفضل جعفرقلی خانی- محمدرضا یوسفی	دوره ۱۴ شماره ۵۱ صفحات ۱۲۹ الی ۱۴۸	روش توصیفی و تحلیلی و قالب کتابخانه ای	نظام قضایی ایران فاقد سازوکارهای حکمرانی خوب و نظارت بر قوه قضاییه در ساختار قانون اساسی می باشد
	استقلال قضایی در نظام حقوقی ایران با مطالعه تطبیقی	دکتر محمدجعفر حبیب زاده ، قاسم کرامت ، مرتضی شهبازی نیا	نشریه علمی - پژوهشی مدرس علوم انسانی زمستان ۸۹- شماره ۷۰	مطالعه موردی - زمینه ای و تطبیق از طریق جمع آوری اطلاعات اسنادی	توجه کافی و لازم بر اصل استقلال قضایی در ایران به مانند سایر کشورها انجام نشده است
	مسندقضا و استقلال قضایی	عبدالله رجبی و اسماعیل کریمیان	نشریه علمی پژوهشی پژوهشنامه حقوق کیفری پاییز ۱۳۸۹ شماره ۱	روش کتابخانه ای و ابزار فیش برداری	استقلال قضایی ریشه در تاریخ نظام های حقوقی مختلف دارد؛ استقلال قضایی مطلق نیست و مقید بر نظام مسئولیت قاضی است (پاسخگویی)

در هیچ یک از منابع فوق، به طراحی الگوی حکمرانی قضایی مردم پایه نپرداخته شده است.

### ۳- روش پژوهش

در این تحقیق، از استراتژی استقرایی، رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه ای استفاده شده است. استراتژی پژوهش استقرایی با گردآوری داده ها آغاز شده و با تحلیل داده ها دنبال می شود و سپس اقدام به نتیجه گیری از تعمیم ها با استفاده از منطق موسوم به استقرایی می کند. بلیکی، ۱۳۹۸، ص ۲۴). پرسش های پژوهش کیفی بر خلاف مولفه کمی، ماهیت کلی دارند و شامل توصیف اتفاقات و رخداد های واقعی در ه نگام آغاز برنامه ها و نحوه پیشرفت آنها در طی دوره تحقیق می باشد. (تدلی و تشکری، ۱۳۹۵، ص ۲۷). پژوهشگران کیفی، داده ها را خود از طریق بررسی اسناد، مشاهده رفتار یا مصاحبه با شرکت کنندگان گردآوری می کنند. (کرس ول، ۱۳۹۷، ص ۲۹۹). زبان پژوهش کیفی، زبان تفسیر است. پژوهشگران کیفی، موردها را در بافت خودشان مورد بحث قرار می دهند و نظریه های داده بنیادی ایجاد می کنند که بر پیگیری فرایند و توالی رویدادها در وضعیت های خاص تاکید دارند. (لاورنس نیومن، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۵۸). نظریه داده بنیاد یا زمینه ای، استقرایی است منظور ما از نظریه زمینه ای آن نظریه ای است که مستقیما از داده هایی استخراج شده است که در جریان پژوهش به صورت منظم گرد آید

ده و تحلیل شده اند. در این روش، گردآوری داده ها، تحلیل و نظریه نهایی با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ اند و پژوهشگر کار را با نظریه ای که از قبل در ذهن دارد شروع نمی کند، بلکه کار را در عرصه واقعیت آغاز می کند و می گذارد تا مفاهیم و نظریه از درون داده هایی که گرد می آورد پدیدار شود. نظریه ای که بدین طریق از داده ها استخراج شده باشد بیش تر ممکن است به واقعیت نزدیک باشد تا نظریه ای که با کنار هم گذاشتن تعدادی مفهوم بر مبنای تجربه یا صرفاً حدس و گمان بدست آمده است. نظریه های زمینه ای به سبب آنکه از داده ها بیرون کشیده می شوند، بیش تر می توانند بصیرت افزا باشند و فهم را تقویت کنند و راهنمای عمل شوند. در این روش، تحلیل، عبارت است از تقابل میان ذهن پژوهشگر و داده ها. در این روش، بدواً با کدگذاری باز مفاهیم، شناسایی و سپس ویژگی ها و ابعاد آنها در داده ها کشف می شوند. بنای نظریه از مفاهیم به مثابه بلوک ها تشکیل می شود و مقوله ها، مفاهیمی هستند که معنای پدیده ها را می رسانند. ویژگی ها، مشخصات یک مقوله اند که توصیف و تشریح آنها مقوله را تعریف می کند و به آن معنا می دهد. ابعاد نیز حدود مختلف ویژگی ها در یک مقوله اند و مشخصات یک مقوله و گونه های مربوط به یک نظریه را نشان می دهند. مقوله های فرعی نیز مفاهیمی هستند که به یک مقوله اصلی مربوط می شوند و آنرا بیشتر توضیح می دهند و مشخص می کنند. فرآیند مرتبط کردن مقوله ها به مقوله های فرعی، کدگذاری محوری نامیده می شوند، زیرا کدگذاری در محور یک مقوله صورت می گیرد و مقوله ها را در سطح ویژگی ها و ابعاد به یکدیگر مرتبط می کند. در نهایت کدگذاری گزینشی نیز عبارت است از یکپارچه کردن و پالایش نظریه. (استراوس و کربین، ۱۳۹۸، ص. ۳۵، ۱۲۲، ۱۴۵ و ۱۶۵). در این تحقیق، علاوه بر نتایج صاحب‌نظرانه صورت گرفته، داده ها از منابع مستند فقهی، قانونی و تاریخی از یک سو و سخنرانی ها، احکام و مرقومات امامین انقلاب از سال ۱۳۳۳ (تالیف کتاب کشف الاسرار) تا پایان مرداد ماه سال ۱۴۰۰ شمسی از جانب دیگر، در حدّ اشباع نظری، جمع آوری و در نهایت، با انجام مراحل کدگذاری (باز، محوری و گزینشی) حول مقوله ی مرکزی «تکیه به مردم در حکمرانی قضایی» مجموعاً ۱۲۰ مفهوم، ۶۴ ویژگی، ۲۳ مولفه و ۹ بُعد در قالب ۱ فرآیند یکپارچه استخراج گردیده و نتیجتاً «الگوی مفهومی حکمرانی قضایی مردم پایه ی ایرانی-اسلامی»، تدوین و ذیل ۳ مقوله شامل: «الزامات»، «موانع» و «مکانیزم ارزیابی و اصلاح مستمرّ الگو» تشریح و تبیین شده است.

حکمرانی قضایی یک مقوله ترکیبی و بینارشته ایست و لذا برای طراحی الگو در این زمینه، لاجرم به منابع مرتبط در دوازده حوزه به ترتیب ذیل مراجعه گردید: فقه حکومتی شیعه (آیین دادرسی اسلام، نظام ادله اسلام، اوصاف قاضی، ساختار قضایی)، حقوق و قضاء (نوع شناسی پرونده های قضایی، استخراج نقشه های قضایی کشور، استخراج خلاء های دادرسی سریع و دقیق، تیپ بندی دستورات قضایی پرونده ها در قالب چک لیست، اصلاح نظام تامین ادله، خصوصی سازی محاکم، اصلاح آیین دادرسی، اصلاح قوانین، تامین حقوق شهروندی، رعایت حدود شرعی در ابزارها و روش ها، قضا‌زدایی، حبس زدایی از مجازات‌ها)، قوانین و اسناد بالادستی (به غیر از سیاست‌های کلی در بخش امنیت ملی در پنج حوزه داخلی، خارجی، دفاعی، فرهنگی و اقتصادی ۱۳۸۶/۲/۱۷ که دارای طبقه بندی بکلی سرتی و فاقد امکان دسترسی بود، سند تحول قضائی، منشور قضایی انقلاب ۱۳۶۱/۹/۲۴، احکام انتصاب متعدد مقامات عالی رتبه قضایی از تاریخ ۱۳۵۸/۱۲/۴ تا سی ام مهر سال ۱۴۰۰، سیاست های کلی قضایی ۱۳۸۱/۷/۲۸، سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ ه-ش ۱۳۸۲/۸/۱۴، سیاست های کلی برنامه چهارم توسعه اقتصاد، اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ا. ۱۳۸۲/۹/۱۱، سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۳۸۷/۱۰/۲۱، سیاست های کلی قضایی پنج ساله ۱۳۸۸/۹/۱، سیاست های کلی نظام اداری ۱۳۸۹/۱/۱۶، دستورالعمل ها و بخشنامه و بیانات روسای قوه قضائیه (استخراج ظرفیت های قانونی و نهادی متناسب با حکمرانی قضایی و تعیین خلاء ها)، علوم سیاسی (اصلاح ساختار کلان قدرت و تاثیر کارآمدی قضای بر حفظ اقتدار نظام سیاسی و نظریه های انقلاب)، فلسفه و حکمت (اندیشه های متفکرین و طراحان مدل‌های قدیم و جدید حکومت)، جامعه شناسی (بازسازی و قشر بندی جامعه بمنظور قضا‌زدایی و نیز هیئت منصفه، ارتقای اعتماد و سرمایه اجتماعی)، مدیریت (گذار از پارادایم مدیریت سنتی و نوین دولتی به پارادایم حکمرانی، آموزش قضات و دبیران، نظارت، مبارزه با فساد، کارآمدی اصلاح ساختار قضایی مثل حذف سازمان ثبت و سازمان پزشکی قانونی و زندانها از شمول قوه قضائیه و مدیریت دانش در قوه قضائیه)، تاریخ (استفاده از تجارب تاریخی مدیریت قضای اسلامی، ایران و سایر تمدن ها)، بیانات امامین انقلاب: تذکرات، انتظارات، تاکیدات و رهنمودها؛ مصاحبه با کنشگران اصلی و فرعی شامل قضات، مدیران اجرایی و ستادی قضایی، پرسنل دفتری، ضابطین دادگستری، وکلا، شکات و دادخواهان، متهمین و دادخواندگان، محکومین، زندانیان و خانواده های ایشان؛ آمار رسمی عملکرد واحدهای قضایی قوه: تحلیل آماری.

جامعه مصاحبه باز تحقیق نیز شامل ۵۰۰ نفر به تفکیک: قضات (۱۰۰ نفر از قضات تهران و البرز)، وکلا (۱۰۰ نفر از وکلای تهران و البرز)، شکات (۵۰ نفر در تهران)، اصحاب دعوی حقوقی (۵۰ نفر در تهران)، متهمین (۲۵ نفر در تهران)، شهود (۲۵ نفر در تهران)، بزه دیدگان و مالباختگانی که برای احقاق حقوق خود تمایلی به مراجعه به دادگستری نداشتند (۵۰ نفر در تهران و زنجان)، ضامنین (۲۵ نفر در تهران) و ضابطین (۱۰۰ نفر در تهران) در فاصله زمانی مهرماه ۱۳۹۷ تا مهرماه ۱۴۰۰ می باشد.

#### ۴- یافته‌های پژوهش

در گام نخست با جمع آوری باز داده های ناظر بر وضعیت کلان قضایی جمهوری اسلامی ایران، واقعیات عینی و ادراکی این حوزه استخراج شد که در جدول زیر که بصورت تطبیقی در ۱۹ شاخص تنظیم گردیده نمونه آن قابل مشاهده بوده و گویای این است که دستگاه قضایی کشور از دوره قاجار تاکنون علاوه بر از دست دادن ساختار اجتماعی سنتی جامعه از قبیل کدخدا و خان و ریش سفیدان که پیشتر نقش مهمی در حل و فصل دعاوی داشتند، بمنظور امکان رسیدگی به حجم انبوه و رو به افزایش تصاعدی تعداد نجومی پرونده های قضایی همواره حجیم تر و بزرگ تر شده است و مزیداً به سبب گرفتاری در رویکرد پسینی که ناظر بر مختومه کردن پرونده های متشکله می باشد هرگز مجال بر اتخاذ رویکرد پیشینی و اهتمام به سیاستگذاری و به عبارت ساده تر حکمرانی نیافته است. بی شک ریل گذاری، آموزش، پیشگیری، رفع موانع، تسهیل و نظارت و مبارزه با فساد(ترمیم اعتماد عمومی) و همچنین ارتقاء اِتقان آراء و اثربخشی کیفی رسیدگی های قضایی مستلزم چابکی ساختار و خلاصی از انباشت پرونده های قضایی میلیونی می باشد و تغییر رویکرد رئیس قوه قضائیه و نمایندگان مجلس از مدیریت دولتی و بوروکراسی به رویکرد حکمرانی یک ضرورت جدی است؛ این باور که بدون مشارکت مردم و سازمان های مردم نهاد، امکان اداره دستگاه قضایی وجود ندارد.

#### جدول شماره ۶- مقایسه کلیات تشکیلات قضایی در دوران قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی

مبنای تطبیق	ساختار کلان قضایی دوره قاجار	ساختار کلان قضایی دوره پهلوی	ساختار کلان قضایی جمهوری اسلامی ایران
عنوان دستگاه قضایی	عدلیه- عدالتخانه- قوه قضائیه و حکمیه	دادگستری	قوه قضائیه
مبنای قوانین ماهوی قضایی	جزایی	غرب	غرب
	مدنی	غرب	غرب
استقلال دستگاه قضایی	تشکیلات	وابسته به دولت و شاه	وابسته به دولت و شاه
	بودجه	وابسته	وابسته
	پاسخگویی	غیر پاسخگو	غیر پاسخگو
انتصاب رئیس	مرجع انتصاب	شاه	رهبری
	نوع ریاست	فردی	شورایی و سپس فردی
پارادایم مدیریت کلان قضایی	مدیریت پادشاهی مشروطه	مدیریت پادشاهی مشروطه	مدیریت نوین دولتی
تعداد واحدهای سازمان قضایی	۳۶	۴۷	۱۶
ملاک اصلی جذب قضات	اجتهاد یا مقام شیخ الاسلامی(۵) در دعاوی حقوقی	اجتهاد تا قبل از انقلاب سفید و سپس لیسانسه حقوق	اجتهاد یا ماذون
استقلال و امنیت شغلی قضات	نسبتاً کم	نسبتاً کم	خیلی کم
قطعیت و اتقان آراء	قطعی	نیمه قطعی	غیر قطعی
نظام ادله	جزایی	غربی	اسلامی
	مدنی	اسلامی-غربی	اسلامی
سیستم دادرسی	جزایی	اسلامی- غربی	اسلامی- غربی
	مدنی	اسلامی - غربی	اسلامی- غربی
فساد و نفوذ پذیری قضات	زیاد	زیاد	زیاد
اعتماد عمومی	کم	کم	کم

زیاد	زیاد	زیاد	استبداد دستگاه قضایی
کم	کم	کم	رعایت حدود و آداب قضای اسلامی
زیاد	زیاد	زیاد	کارچاقی کنی
زیاد	کم	کم	تشتت سیاسی
رو به توسعه- نسبتاً مستقل	رو به توسعه- وابسته	کم	عملکرد بین المللی
بسیار کم	زیاد	زیاد	استفاده از ظرفیت ساختار اجتماعی برای کاهش ورودی

در جدول زیر نیز میانگین وضعیت کلان آماری دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۹ در ۱۵ شاخص برای نمونه ارائه می گردد که بیانگر چالش های جدی در سطوح سیاستگذاری، اجرا و نظارت حوزه قضایی می باشد.

### جدول شماره ۷- میانگین وضعیت کلان آماری دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران

شاخص	وضعیت آماری	نُرم جهانی	شاخص	وضعیت آماری	نُرم جهانی
ورودی سالانه پرونده قضایی (یکتا/اولیه) در سال	۸ میلیون	۲۵۰ هزار پرونده	زمان رسیدگی به هر پرونده	۲۰۰ روز	۱۰۰ روز
سرانه ارجاع به هر قاضی در سال	۱۸۰۰ پرونده	۳۰۰ پرونده	تعداد دعاوی حقوقی در سال	۲ میلیون و ۵۰۰ هزار در سال	-
جمعیت دارای پرونده قضایی در سال	۱۶ میلیون	۱۵ هزار نفر	تعداد موضوعات کیفری در سال	۵ میلیون و ۵۰۰ هزار اتهام	-
تغییر قوانین قضایی در بازه زمانی ۱۰ سال	۱ نوبت در سال	۱ نوبت در ۱۰ سال	شکایت انتظامی از قاضی در سال	۹ هزار در سال	-
تولید پرونده های مُسنّ قضایی در سال	۱ میلیون	۱۰۰۰ پرونده	تعلیق قضات از سمت قضایی در سال	۱۰۰ قاضی	-
نسبت تعداد قضات به جمعیت در سال	۱۵ در ۱۰۰ هزار نفر	۳ در ۱۰۰ هزار نفر	تجدیدنظرخواهی از احکام بدوی در سال	۱ میلیون در سال	-
سرانه ختم پرونده توسط هر قاضی در سال	۱۷۰۰	۲۸۰	احکام اجرا نشده در سال	۱۱ هزار	-
پرونده های تکراری در گردش در هر سال	۱۴ میلیون و ۵۰۰ هزار	-			

در جدول زیر ملاحظه می گردد در هر یک از زمینه های حقوقی و کیفری پرونده

های قضایی متشکله، ده موضوع نخست آماری شامل مواردی است که اگر سیاستگذاران قضایی، سطوح ستاد (سیاستگذاری، حمایت و آموزش و نظارت) و اجرا(انجام امور قضایی) را در دستگاه قضایی تفکیک می نمودند و قوه قضائیه را به سطح حکمرانی می رساندند می توانستند در قالب یک پروژه جامع در جهت طراحی سیستم حقوقی یکپارچه و کلان کشور و انجام تغییرات لازم قانونی، ضمن پیشگیری از بروز آنها نسبت به رسیدگی به عمده موضوعات مذکور از طرق غیرقضایی اقدام نمایند.

جدول شماره ۸- ده موضوع اول پرونده های قضایی کشور با قابلیت قضا دایی (پیشگیری و رفع خصومت از طرق غیرقضایی)			
عناوین حقوقی	حجم از کل	عناوین کیفری	حجم از کل
مطالبه وجه	یک سوم	سرقت مستوجب تعزیر	دو سوم
اعسار از پرداخت محکوم به		ضرب و جرح عمدی	
مطالبه خسارت		توهین به اشخاص عادی	
طلاق توافقی		ایراد صدمه بدنی غیر عمدی بر اثر تصادف رانندگی	
الزام به تنظیم سند رسمی ملک		کلاهبرداری	
مطالبه وجه چک		تهدید	
طلاق به درخواست زوجه		رانندگی بدون پروانه	
مطالبه مهریه		تخریب	
درخواست صدور اجرائیه نسبت به چک بلامحل		نگهداری موارد مخدر	
الزام به تمکین		تحصیل مال از طریق نامشروع	

در گام بعد با بازخوانی دقیق و کدگذاری داده های جمع آوری شده و با توجه به نتایج اولویت بندی نظام مسائل قوه قضائیه، مجموعاً ۱۲۰ مفهوم پایه استخراج گردید؛ که ذیلاً به نمونه ای از آن اشاره می گردد؛ در جدول زیر ۱۶ مفهوم پایه در نتیجه یکی از کدگذاری های باز بدس ت آمد.

#### جدول شماره ۹- نمونه کدگذاری باز

امنیت قضات	سرنوشت بد قضات انقلابی	جاه طلبی قضات	تغییر بی جهت رفتار قاضی
نفوذ پذیری قضات	تعریف قاضی عاقل و بی حاشیه	وابستگی مالی قاضی	میل به صدور منع تعقیب
ترس قضات	شکایت انتظامی واهی از قضات	کله کردن قاضی	آمارگرایی قضات
تسلط مدیران قضایی بر قضات	سلب صلاحیت قاضی	تبعید قاضی	مصونیت عملی و مطلق دادستا ن انتظامی قضات

وجه اشتراک همه این مفاهیم، "تامین استقلال قضایی قضات" بود که در کدگذاری محوری پژوهش قرار گرفت و اتفاقاً به عنوان یکی از چالش های مغفول دستگاه قضایی کشور نیز محسوب می شود (به نحوی که کوچکترین اشاره ای به آن در سند امنیت قضایی مصوب ۱۳۹۷/۷/۲۱ ریاست وقت قوه قضائیه نشده است) و علیرغم تصریح در اصل ۱۶۴ قانون اساسی و منصرف از اختلافاتی که بین اعضاء، در جلسات ۵۹ و ۶۰ مورخ ۱۴ و ۱۳/۸/۱۳۵۸ مجلس بررسی نهائی قانون اساسی، پیرامون ممنوعیت مطلق جابجایی قضات (بلحاظ اهمیت امنیت و استقلال قضات) و جلوگیری از اعمال نفوذ متنفذین و اشراف و افرادی که منافعشان با عدالتجویی یک قاضی تعارض یا تزامم دارد و تفکیک قضات محاکم از قضات تحقیق وجود داشت، این اصل به اعتبار پنج نفر مجتهد عادل شورایعالی قضایی و عدم امکان فرض وقوع فساد در روند جابجایی قضات، تصویب شد و لیکن بعدها در بازنگری قانون اساسی، بنا به تغییرات صورت گرفته عبارت «رئیس قوه قضائیه» جای «شورایعالی قضایی» را گرفت و چنین اختیاری لاجرم به یک فرد سپرده شد؛ باید توجه داشت که مستفاد از مشروح مذاکرات مجلس موصوف، رویکرد تصویب کنندگان و واضعین این اصل، اثباتی بوده است نه تنبیهی؛ یعنی غرض این بوده است که اگر مردم یک منطقه، قاضی را نپسندند یا به وجود یک قاضی به سبب خصیصه های او در حوزه ای دیگر ضرورت باشد، بتوان او را جابجا کرد و رئیس قوه قضائیه نمی تواند طبق این اصل، قاضی را تنبیهاً تبع

ید نماید و عبارت «در صورت اقتضای مصلحت جامعه» نیز به قرینه صارفه، مؤید این معناست؛ لیکن در بعدها، قانون نظارت بر رفتار قضات م صوب ۱۳۹۰/۷/۱۷ که اساساً برابر ماده یک آن فلسفه وجودی این قانون با رویکرد تنبیهانه عبارت است از: «نظارت بر نحوه عملکرد و رفتار قضات و رسیدگی به تخلفات و صلاحیت قضائی آنها»، طبق بند ۵ ماده ۱۱: «پیشنهادهای جابجایی قضات به رئیس قوه قضائیه در اجرای اصل یک صد و شصت و چهارم (۱۶۴) قانون اساسی» را به عنوان یکی از وظایف و اختیارات دادستان انتظامی قضات برشمرده است و در عمل از این اختیار به عنوان ابزار تنبیهی علیه قضات استفاده می شود که کاملاً با عَرْضِ وضع آن مغایر است و بدینوسیله این اصل تبدیل به تهدیدی علیه امنیت و استقلال قضات شده است. شهید بهشتی بعنوان نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی اظهار داشت: «امیدواریم بازپرس ها و دایره های دادستان ها که تاکنون از تزلزل موقعیت شان، نگران بودند از این به بعد با تقوی و فضیلت و عدالت خواهی کامل و با قاطعیت بتوانند وظایف خودشان را همچون قضات محاکم انجام بدهند و همه قضات در آن مقام رفیع قاضی وظیفه منیع قاضی را برگزار کنند» (امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۳: ۱۶۲۰، ۱۶۳۹، ۱۶۴۱). شایان ذکر است در دوره ریاست مرحوم محمد یزدی بر قوه قضائیه، برخی مفهومی موافق این اصل را اینگونه برداشت کردند که رئیس قوه قضائیه در صورت اقتضای مصلحت جامعه با مشورت رئیس دیوانعالی کشور و دادستان کل کشور می تواند قضات را حتی بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل نماید تا اینکه شورای نگهبان در نظریه تفسیری شماره ۰۴۴۸ مورخ ۱۳۶۹/۴/۲۳ اظهار داشت که: «استثناء مندرج در اصل ۱۶۴ قانون اساسی) مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل) صرفاً ناظر به جمله دوم اصل یعنی عبارت (یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد) میباشد و ارتباطی به جمله صدر اصل ندارد» و به این ترتیب این اختیار بر رئیس قوه قضائیه فقط محدود بر حالتی است که بخواهد محل خدمت یا سمت قاضی را بدون رضایت او تغییر دهد و لذا بر اساس این اصل، به هیچ وجه بدون محکومیت کیفری قطعی (با هر نوع جرم و مجازات) یا محکومیت انتظامی قطعی انفصال نمی توان قضات را به طور موقت یا دائم از خدمت قضایی منفصل نمود و لیکن عملاً دادرسی انتظامی قضات با استفاده از اختیارات بی حد و حصری که قانون نظارت بر رفتار قضات به آن اعطا کرده است به راحتی امنیت و استقلال شغلی قضات را بر خلاف صریح اصل مذکور مخدوش می سازد و در نتیجه حس ناامنی در قضات نیز موجب کاهش شهامت و مقاومت و عزم ایشان در احقاق حق در پرونده های قضایی خصوصاً در مواردی که یکی یا هر دوی اصحاب پرونده از افراد متنفذ یا متمول بوده و یا موضوع پرونده امری حاشیه ساز است می گردد.

لذا "تامین امنیت و استقلال شغلی و قضایی قضات" در فرآیند کدگذاری های گرینشی تحقیق بعنوان یکی از مولفه های الگوی حکمرانی قضایی مردم پایه زیر فصل بعد امنیت قضایی شناسایی و ملحوظ گردید.

### جدول شماره ۱۰- شناسنامه الگوی حکمرانی قضایی مردم پایه - ایرانی اسلامی

ردیف	ابعاد	مولفه ها
۱	مدیریت قضایی	سیاستگذاری پیشینی (ملی و حوزه ای)- چابکسازی ساختار- حمایت و مانع زدایی + ۱۲ ویژگی
۲	امنیت قضایی	رعایت حدود و آداب اسلامی در ابزارها و روشهای قضایی- تامین امنیت شغلی و استقلال قضایی قضات- قابلیت پیشی بینی + ۷ ویژگی
۳	فناوری قضایی	شفافیت اطلاعات- دسترسی برخط اطلاعات + ۶ ویژگی
۴	نظام تامین ادله	یکپارچه سازی ادله اثباتی- الکترونیکی کردن روند تامین ادله- مدیریت صحنه جرم با استفاده از ظرفیت مردم- زیرساخت ها ی ادله بنیان + ۱۰ ویژگی
۵	خصوصی سازی قضایی	ایجاد محاکم تحکیم- ایجاد دیوان مظالم + ۵ ویژگی
۶	مدیریت خارجی با تکیه بر محور مقاومت	مطالعات مشترک قضایی منطقه مقاومت- ایجاد دیوان بین المللی مقاومت- تقویت قضایی گروههای جهادی مقاومت + ۴ ویژگی
۷	سلامت قضایی	تامین بهداشت قضایی کارکنان- بسترزدایی از فساد پیرامونی دستگاه قضایی با استفاده از ظرفیت سمن ها + ۶ ویژگی
۸	مدیریت اجتماعی با تکیه بر بازسازی طبقات اجتماعی	اشرافیت بر ساختارهای اجتماعی غیررسمی و رسمی- بازسازی طبقات اجتماعی جت تفویض امور قضایی خرد + ۱۱ ویژگی
۹	مدیریت دانش قضایی	ایجاد مرکز مطالعات تاریخی و تمدنی قضایی- ثبت و پالایش و مدیریت عمومی اشتباهات و ابتکارات قضایی + ۳ ویژگی



در این رابطه ایجاد ظرفیتهای چهارگانه حکمرانی در فراهوزه قضایی بعنوان الزامات پیاده سازی الگو شناخته می شود؛

۱- ظرفیت عقلانیت(شامل: عقلانیت اداری<sup>۱</sup>: منطقی که توسط مدیران ارشد و حرفه ای در حکمرانی نمود پیدا می کند و مبین میزان تسلط حکمران در اداره کشور و کیفیت ارائه خدمات کارشناسی از سوی حکمران به بازیگران در وضع مقررات و بخشنامه ها است؛ عقلانیت اقتصادی<sup>۲</sup>: بر روابط اقتصادی و قیمت گذاری آن از طرف حکمران و استفاده حکمران از مشوق های اقتصادی برای تغییر در سطح جامعه دلالت دارد؛ عقلانیت سنجیده<sup>۳</sup>: ارتباط درون و برون سازمانی بر مبنای اعتماد و اطمینان به نحوی که مردم بصورت مستقیم - فراندوم- یا غیرمستقیم -مجلس نمایندگان- از حیث عقلانیت بر خط مشی ها نمره می دهند)؛<sup>۲</sup>- ظرفیت مشروعیت: اخذ تصمیمات مشروع مستلزم ظرفیت مشروعیت است، این ظرفیت، توانایی ایجاد وفاق در پذیرش خط مشی را از طرف همه بازیگران اعم از مردم، دولت و بخش خصوصی را بیان میکند ، اسکارف<sup>۴</sup>(۲۰۱۰) معتقد است ظرفیت مشروعیت دو مولفه دارد: یکی ظرفیت ورودی مشروعیت<sup>۵</sup> به معنی مشارکت همه بازیگران در فرآیندهای تصمیم گیری بعنوان عنصر مرکزی ظرفیت ورودی : شامل سه مولفه: مشروعیت خاص<sup>۶</sup> (اخذ نظر همه بازیگران در وضع خط مشی ها و مقررات)، جامعیت<sup>۷</sup> (فراگیری و کل نگرانه بودن خط مشی ها و مقررات) و عملکرد منطقی<sup>۸</sup> (قابلیت اجرا) و دیگری ظرفیت خروجی مشروعیت<sup>۹</sup> (پاسخگویی مسئولان حکومتی) شامل سه مولفه: کنترل دموکراتیک<sup>۱۰</sup> (رصد و کنترل آزاد و شفاف خط مشی توسط مردم یا نمایندگان ایشان از قبیل کمیسیون اصل ۹۰ و اینکه چرا قوه مقننه حق نظارت بر قوه قضائیه و استیضاح رییس قوه قضائیه را ندارد . نکته مهم این است که اساساً در جمهوری اسلامی ایران بلحاظ اصل چهارم قانون اساسی ظرفیت مشروعیت به این مفهوم که در طراحی الگوهای حکمرانی غرب مطرح است وجود ندارد مگر در مباحث از احکام خمسه که اینها هم باید از حیث ابزار و چارچوب و روش و هدف از اسلام تبعیت نماید)؛ پاسخگویی<sup>۱۱</sup> و کیفیت ارزیابی و سنجش<sup>۱۲</sup>: عقلانی و منطقی بودن خروجی خط مشی ها و مقررات و مشاهده نتایج خوب آنها در تامین حقوق ذی نفعان هر خط مشی ، موید کیفیت بالای آن خط مشی ها و مقررات می باشد)؛<sup>۳</sup>-ظرفیت خط مشی گذاری عمومی(توانایی های یک کشور در ایجاد فضایی که در آن بازیگران خط مشی با یکدیگر تعامل مناسبی داشته و گردش کار فرآیند خط مشی گذاری به گونه ای انجام پذیرد که در آن، مشکلات خط مشی بدرستی شناسایی شده و همه مراحل خط مشی گذاری و خاتمه آن اعم از وضع و اجراء و سازوکارهای نظارتی و ارزیابی خط مشی به درستی انجام پذیرد؛ ظرفیت خط مشی گذاری عمومی دو نوع است: ظرفیت حاکمیتی<sup>۱۳</sup> (قوای سه گانه و نیروهای مسلح و نهادها و انقلابی و نهادهای عمومی غیردولتی؛ مهمترین ابعاد ظرفیت حاکمیتی عبارتند از: ظرفیت قانونی<sup>۱۴</sup>، ظرفیت فسادگریزی<sup>۱۵</sup>، ظرفیت سیاسی

administrative rationality <sup>۱</sup>

economic rationality <sup>۲</sup>

deliberative rationality <sup>۳</sup>

schaof <sup>۴</sup>

legitimacy input capacity <sup>۵</sup>

partnership <sup>۶</sup>

comprehensiveness <sup>۷</sup>

logical performance <sup>۸</sup>

legitimacy output capacity <sup>۹</sup>

democratic control <sup>۱۰</sup>

accountability <sup>۱۱</sup>

quality deliberated <sup>۱۲</sup>

sovereignty capacity <sup>۱۳</sup>

legal capacity <sup>۱۴</sup>

escape corruption capacity <sup>۱۵</sup>

۱ یا ظرفیت نهادی<sup>۲</sup> توان حاکمیت در ایجاد ثبات سیاسی، ظرفیت پاسخگویی<sup>۳</sup>، ظرفیت ارتباطی<sup>۴</sup> و ظرفیت یادگیری<sup>۵</sup> عبرت گیری حاکمیت از اشتباهات گذشته) و ظرفیت غیرحاکمیتی<sup>۶</sup> رسانه<sup>۷</sup>، موسسات پژوهشی<sup>۸</sup>، بخش خصوصی، احزاب<sup>۹</sup>، گروه‌های ذی نفوذ<sup>۱۰</sup>، شهروندان(حساسیت شهروندان)<sup>۱۱</sup> که ریشه در فرهنگ عمومی<sup>۱۲</sup> دارد؛ ۴- ظرفیت چابک سازی<sup>۱۳</sup> که متأثر از میزان تعامل دو بخش عمومی و خصوصی است) و ظرفیت اجرای اثربخش(هم افزایی بازیگران و افکار عمومی و گروه های ذی نفوذ و نهادهای تفسیر کننده مثل مطبوعات و رسانه ها) مطرح شده است(دانایی فرد، ۱۳۹۲: ۲۱۵). نتایج داده های جمع آوری شده حکایت از این دارد که نظام جمهوری اسلامی ایران ظرفیت های مذکور را نه صرفاً در حوزه قضایی بلکه برای تحقق مردم سالاری دینی و حکمرانی فراگیر متعالی در هیچ یک از حوزه ها بالفعل تبدیل نکرده است و لازم است بعنوان اولین ملزوم در دستور کار سیاستگذاران قرار گیرد.

مقوله موانع

نتایج داده ها نشان می دهد تمایل سیاستگذاران بر حفظ و توسعه انحصار قدرت عمومی در ساختار دولت و امنیتی سازی امور عمومی و بی اعتمادی به مردم و بخش غیردولتی و فقدان زیرساختها و ظرفیت های لازم، چهار مانع اساسی برای پیاده سازی حکمرانی قضایی مردم پایه می باشند.

مقوله مکانیزم ارزیابی و اصلاح مستمر الگو

در رابطه با ارزیابی و اصلاح مستمر الگو، تبعاً زمانی که دستگاه قضایی خود را از امور اجرایی فارغ نموده و به مسئولیت راهبری بپردازد در تعال با بازیگران همه بخشی فعال در حوزه قضایی خواهد توانست هر جایی نیاز به اصلاح و ترمیم یا احداث دارد را تشخیص و در دستور کار قرار دهد. رهبر معظم انقلاب در این خصوص می فرمایند: « این مهمترین کار در قوه قضائیه است اگر به فضل پروردگار این کار به خوبی و با استحکام کامل انجام گیرد، تا سالهای متمادی قوه قضائیه می داند باید چه کار بکند؛ چه بخشی را احداث کند، چه بخشی را ترمیم کند، چه بخشی را اصلاح کند و چه بخشی را بردارد.»(بیانات در دیدار مسئولان قضایی، ۱۳۸۲/۴/۷)

## ۵- جمع بندی و نتیجه گیری

در جمع بندی و در مقام نتیجه گیری از پژوهش پیشنهاد می گردد: ۱- سیاست های کلی نظام در زمینه عبور از پارادایم مدیریت دولتی به پارادایم حکمرانی بعنوان یک طرح کلان ملی و یکی از معضلات نظام در اجرای اصل ۱۱۰ قانون اساسی در مجمع تشخیص مصلحت نظام م ورد بررسی و مطالعه قرار گیرد و جهت ابلاغ به رهبر معظم انقلاب پیشنهاد گردد؛ ۲- ظرفیت ها و زیرساخت های لازم برای امکان پیاده سازی الگوی حکمرانی متعال قضایی مردم پایه اعم از سخت و نرم با همکاری قوه سه گانه و نیروهای مسلح پس از اخذ مشورت های لازم از متخصص سین جامعه شناسی، تاریخ، مدیریت، حقوق و اقتصاد ایجاد گردد؛ ۳- ساختار اجتماعی ایران با تکیه بر ظرفیت های قومی و دینی و محلی مورد بازسازی قرار گیرد تا بتوان با احیای طبقات اجتماعی در قالب بلوک های منسجم و هم افزا در حکمرانی قضایی مورد استفاده قرار داد؛ ۴- مرکزی بمنظور مطالعه عمیق و استخراج و ثبت و ضبط و بومی سازی تجربیات تاریخی و تمدنی و مدیریتی جهان در حوزه قضایی به عنوان ر

<sup>۱</sup> olitical capacity

<sup>۲</sup> institutional capacity

<sup>۳</sup> capacity of respond

<sup>۴</sup> communication capacity

<sup>۵</sup> learning capacity

<sup>۶</sup> non-sovereignty capacity

<sup>۷</sup> media capacity

<sup>۸</sup> research institutaions capacity

<sup>۹</sup> parties

<sup>۱۰</sup> interest groups

<sup>۱۱</sup> sensitivity citizens

<sup>۱۲</sup> public culture

<sup>۱۳</sup> agility capacity

کن مشورتی سیاستگذاری قضایی ایجاد گردد و یا به ماموریت پژوهشگاه قوه قضائیه افزوده شد و بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد؛ ۵- همچون تجربیات موفق دفاتر اسناد رسمی و دفاتر الکترونیک قضایی با استفاده از ظرفیت دادگاههای تحکیم و همچنین داوری و استفاده از تجربه ح کومت بنی عباس که قریب به ۵۲۷ سال حکمرانی نمود، دادگاههای خصوصی ایجاد و جرائم قابل گذشت و طیفی از موضوعات حقوقی ترفعی و امور حسبه به ایشان واگذار و ضمن نظارت لازم آموزش های مستمر به آنها داده شده و ریل گذاری های قضایی انجام گیرد؛ ۶- سازمان ثب ت اسناد و املاک و سازمان پزشکی قانونی و روزنامه رسمی که در ردیف ماموریت های محوله به قوه قضائیه در اصل ۱۵۶ قانون اساسی نیز قرا ر ندارند از ساختار قوه قضائیه منفک و همچون سازمان تعزیرات در ساختار وزارت دادگستری جای گیرد تا این اقدام کمک زیادی به چابکی د ستگاه قضایی نماید، بی شک شأن نظارتی قوه از باب نظارت بر حسن اجرای قوانین به قوت خود باقی است؛ ۷- بجهت خروج از انباشت پرونده های قضایی کنونی، بسیاری از موضوعاتی که در قالب دعاوی حقوقی یا کیفری مطرح می گردد اساساً نیازی به رسیدگی قضایی نداشته و می توان با اتکاء به ظرفیت اسناد رسمی لازم الاجرا و طراحی فرآیندی شفاف و قاطع، نسبت به آنها قضا زدایی نمود؛ ۸- ایجاد بانک های اطلاعاتی ملی جامع بسیاری از مشکلات اطاله دادرسی یا اجرای احکام قطعی را حل خواهد کرد؛ ۹- مجلس شورای اسلامی بطور جدی نسبت به حبس زدایی از نظام کیفری اقدام نماید.

## ۶- تقدیر و تشکر و پیوستها

تقدیم به عزیزان شهیدم بویژه شهید علم الهدی و تشکر از برادرم جناب آقای رضا کبیری که همواره اینجانب را مورد لطف و حمایت خوی ش قرار داد.

## ۷- مراجع

۱] آروش پژوهشی که کاربرد گسترده ای در جامعه شناسی و انسان شناسی دارد و در آن پژوهشگر در فعالیت های گروه یا اجتماع مورد م مطالعه شرکت می جوید(گیدنز، ۱۳۸۹: ۱۰۰۹)

۲] در ادبیات انقلاب اسلامی ایران، بجای دموکراسی، اصطلاح «مردم سالاری دینی» ایجاد شده است

۳] محاکم استیناف، مدعی العموم محاکم شرع، محاکم عرف (احضار، محاکمات حقوقی، تحقیقات دعاوی، اصلاح، تجارت، جنایات و اجرا)، محاکم (دیوان) تمییزو محاکم نظامی

۴] محاکم نظامی، محاکم سیار، محاکم شرع، محاکم عرف، محاکم تمییز، محاکم استیناف، مدعی العموم

۵] منصوب از جانب شاه با توجه به اقبال مردم

منابع و مأخذ:

ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب(۱۳۸۳). آیین حکمرانی(الاحکام السلطانیه و والولایات الدینییه). مترجم و محقق: حسین صابر ی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

نویمان، فرانتس(۱۳۹۰). آزادی و قدرت و قانون. گردآوری: هربرت مارکوزه، مترجم: عزت الله فولادوند، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ دوم

ترامپ، دونالد جی(۱۳۹۷). آمریکای زمینگیر. مترجم: سمیرا محتشم و سایرین، تهران، نشر ثالث، چاپ اول

مورگان شوستر، ویلیام(۱۳۸۶). اختناق ایران. مترجم: حسن افشار، تهران، نشر ماهی، چاپ اول

یوسفی، ناصر؛ آقامیری، سیدعلی(۱۳۹۹). ابن عباس، اجتهاد در برابر ولیّ. قم، انتشارات عصر صادق، چاپ اول

محمدپناه، بهنام(۱۳۸۸). اسرار تمدن چین باستان. تهران، انتشارات سبزان

جردادق، جورج(۱۳۹۵). امام علی ع صدای عدالت انسانی. مترجم: سیدهادی خسروشاهی، قم، موسسه انتشاراتی امام عصر عج، چاپ هجده

م

صحرائی، علیرضا؛ محمودی نیا، امین(۱۳۹۷). الگوی حکمرانی خوب: چارچوبی برای تحلیل اقتصاد سیاسی دولت هاشمی رفسنجانی( ۱۳۶

۸ - ۱۳۷۶). فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، شماره ۲۸

مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری با همکاری رضایی، حسن؛ دهقانی، روح الله و کیانپور، مهرداد(۱۳۹۰). از حکمرانی اسلامی تا د ولت معیار

جهانگیر، اصغر؛ دهقان، سعید(۱۳۹۵). ارائه الگوی راهبردی اداره امور نظام قضایی از طریق تدوین تجارب نظام ج.ا.ا و بر اساس گفتمان ولا

یت فقیه و قانون اساسی. دانشکده مدیریت دانشگاه عالی دفاع ملی

حبیب زاده، محمدجعفر؛ کرامت، قاسم (۱۳۹۰). استقلال قضایی در حقوق کیفری ایران و اسناد بین المللی. دانشگاه تربیت مدرس  
عظیمی دولت آبادی، امیر (۱۳۸۹). انقلابی پرجاذبه (سیرتکونین و تحول جنبش انقلابی در ایران). تهران، انتشارات امیرکبیر چاپ اول  
دارندرف، رالف (۱۳۷۷). انسان اجتماعی. مترجم: غلامرضا خدیوی، تهران، نشر آگه، چاپ اول  
معاونت پژوهش های فقهی و حقوقی پژوهشگاه تحقیقات راهبردی (۱۳۹۰). امنیت قضایی (مجموعه مقالات). تهران، پردیس دانش، چاپ او

ل

هاشمیان فرد، زاهد (۱۳۹۰). امنیت در اسلام. تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی، چاپ اول  
عقبائی جزنی، محمد (۱۳۹۶). اجرای خط مشی عمومی با رویکرد حکمرانی. انتشارات سخنوران تهران چاپ اول  
بلیکی، نورمن (۱۳۹۸). استراتژی های پژوهش اجتماعی. مترجم: آقا بیگ پوری، هاشم؛ تهران، جامعه شناسان  
کلینی رازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۵۶). اصول کافی. مترجم و شارح: سید جواد مصطفوی؛ ج ۱، دفتر نشر فرهنگ اهل  
بیت علیهم السلام

عاملی، سعید زین الدین بن علی بن احد بن تقی (۱۳۹۳). الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه. قم، انتشارات دارالعلم  
دامغانی، محمدتقی (۱۳۰۴). اولین قوانین ایران قبل از مشروطیت. تهران، نشر بهزاد  
فخر المحققین، ابوطالب محمد بن حسن بن یوسف حلّی (۱۳۸۷ه.ق). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد. محققین: سیدحسین موسو  
ی کرمانی، علی پناه اشتهاردی عبدالرحیم بروجردی، قم، موسسه اسماعیلیان، چاپ اول  
هاشمی باجگانی، سید جعفر (۱۳۷۸). بررسی تطبیقی اصول محاکمات مدنی در قوانین اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی ایران. مرکز اس  
ناد انقلاب اسلامی ایران

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). برگزیده تفسیر نمونه. جلد های ۳ و ۴، تحقیق و تنظیم: احمدعلی بابائی، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه  
عیوضی، محمد رحیم؛ مرزبان، نازنین (۱۳۹۵). بررسی مولفه های حکمرانی خوب از منظر امام خمینی (ره). فصلنامه مطالعات سیاسی جها  
ن اسلام، شماره ۱۹

مجد زنگنه، مهسا و همکاران. بررسی مولفه های اساسی حکمرانی خوب در نظام قضایی ایران. دوره ۱۴ شماره ۵۱  
خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب. تهران، انتشارات عقیدتی سیاسی ستاد کل نیروهای مسلح  
فاضلی، محمد؛ جلیلی، محدثه (۱۳۹۷). بررسی بین کشوری رابطه کیفیت حکومت، میزان فساد و سطح اعتماد نهادی و اجتماعی. نشریه  
جامعه شناسی کاربردی سال ۲۹ شماره پیاپی (۷۰) شماره دوم، صص: ۱۹۱-۲۱۰  
مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). بررسی اجمالی نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر. تهران، انتشارات صدرا، چاپ دوازدهم  
حسینی سیرت، سید مصطفی (۱۳۹۶). بررسی مفهوم ساختار اجتماعی در اندیشه اندیشمندان علوم اجتماعی. فصلنامه علمی- تخصصی فره  
نگ پژوهش، شماره ۳۱ (ویژه علوم اجتماعی)

ادریسی، افسانه؛ رحمانی، احسان؛ حسینی، سیده نرگس؛ خلیلی، امین (۱۳۹۰). بررسی و تبیین اعتماد اجتماعی از رویکرد نظریه ساخت یا  
بی گیدنز. فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی، سال اول، شماره اول، صص ۹-۳۲  
فیروزیان، سارا (۱۳۹۵). بررسی رابطه ی میان نابرابری و پدید آمدن طبقات اجتماعی. چهارمین کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و ت  
کنولوژی سن پترزبورگ روسیه

نیازی، محسن؛ مرتضوی، آمنه (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل اندیشه و نظریه های اروینگ گافمن. کنفرانس بین المللی علوم انسانی، روانشناسی  
و علوم اجتماعی تهران

مظاهری کوهانستانی، رسول؛ میراحمدی، مریم (۱۳۹۱). بررسی نقش عقل در دوران اخباریگری. فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلام  
ی، سال هشتم، شماره ۲۹، صص: ۱۱۵-۱۳۴

مینتزیگ، هنری و همکاران (۱۳۹۷). جنگ استراتژی. مترجم: محمود احمدپور داریانی، تهران، انتشارات جاجرمی چاپ پنجم  
سارتر، ژان پل (۱۳۵۷). جنگ شکر در کوبا. مترجم: جهانگیر افکاری، تهران، انتشارات امیرکبیر  
روستاین، بو آبراهام مندل (۱۳۹۳). دام های اجتماعی و مسئله اعتماد. مترجم: لادن رهبری، محمود شارع پور، محمدفاضلی، سجاد فتاحی  
انتشارات آگه، چاپ اول

عموزاده مهدیرجی، حنیف؛ حسینی، سیدمحمد (۱۳۹۹). دام اجتماعی و مساله عدم همکاری شهروندان با حکومت در ایران. فصلنامه علمی

پژوهشی سیاستگذاری عمومی دوره ۶ شماره ۲، صص: ۲۵۲-۲۳۳

وزارت امور خارجه (۱۳۸۳). دایرة المعارف دموکراسی. جلد ۲

وصیت نامه سیاسی و الهی شهید سلیمانی

مهراآرام، پرهام؛ فتحی، بدیع (۱۳۹۶). حکمرانی دانشگاهی. تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول

امامی، محمد؛ شاکری، حمید (۱۳۹۴). حکمرانی خوب و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. پژوهشنامه ی حقوق تطبیقی، شماره ۲  
حسینی تاش، سید علی؛ علی واثق، قادر (۱۳۹۳). حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته بررسی و شاخص های این دو از دیدگاه امیرالمؤ

منین علی (ع). نشریه ی اندیشه مدیریت راهبردی، سال سوم شماره ۲

نادری، محمدمهدی (۱۳۹۰). حکمرانی خوب؛ معرفی و نقدی اجمالی. اسلام و پژوهش های مدیریتی، شماره ۱

رخشانی، محمد (حمید) رضا (۱۳۹۶). حکمرانی مطلوب از دیدگاه اسلام. انتشارات چشم انداز قطب، چاپ اول

مدنی، سیدجلال الدین (۱۳۷۳). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران. تهران، نشر همراه، چاپ دوم

کرس ول، جان دبلیو (۱۳۹۷). طرح پژوهش. مترجم: کیامنش، علیرضا؛ دانای طوس، مریم؛ تهران، جهاد دانشگاهی.

لین پول، استانلی (۱۳۶۳). طبقات سلاطین اسلام. مترجم: عباس اقبال، تهران، انتشارات دنیای کتاب، چاپ دوم

عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۷). کلیات حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد

کرین برینتون، کلارنس (۱۳۸۵). کالبدشکافی چهار انقلاب. مترجم: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات زریاب، چاپ هشتم

لوی-برول، لوسین (۱۳۹۳). کارکردهای ذهنی در جوامع عقب مانده. مترجم: یدالله موقن، تهران، انتشارات هرمس، چاپ سوم

مصلح بن عبدالله بن مُشرف، ابومحمد مُشرف الدین (۱۳۸۹). کلیات سعدی. مصحح: مددعلی فروغی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ پانزده

م

مصدق، محمد (۱۳۳۲). کاپیتولاسیون و ایران، سال ۱۲۹۰ شمسی. با مقدمه و حواشی و تعلیقات: فریدون جنیدی، تهران، نشر جنیدی، چا

پ اول

صابری، شیدا (۱۳۹۶). کاپیتولاسیون و نقض حاکمیت ملی. تهران، تاریخ نامه انقلاب، سال اول، دفتر دوم، شماره پیاپی ۲، صص ۱۵۵-۱۸

هابز، توماس (۱۳۸۰). لویاتان. مترجم: حسین بشیریه، نشر نی

تدلی، چارلز؛ تشکری، عباس (۱۳۹۵). مبانی پژوهش ترکیبی. مترجم: آذر، عادل؛ جهانیان، سعید؛ تهران، جهاد دانشگاهی

استراوس، انسلم؛ کرین، جولیت (۱۳۹۸). مبانی پژوهش کیفی. مترجم: افشار، ابراهیم؛ تهران، نشر نی.

عاملی جبعی، زین الدین بن علی بن احمد (۱۳۸۲). مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام. ج ۲، قم، بصیرتی

بیات، بهرام (۱۳۹۸). مدیریت بحران های امنیتی. تهران، انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

سوری، حسن (۱۳۸۶). مهندسی مجدد در سازمان های ایرانی. تهران، انتشارات رسا، چاپ دوم

خسرو پناه، عبدالحسین (۱۳۹۷). منظومه فکری آیت الله العظمی خامنه ای. جلد ۲، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

زیباکلام، صادق (۱۳۸۴). مقدمه ای بر انقلاب اسلامی. تهران، نشر روزنه چاپ پنجم

گورویچ، ژرژ (۱۳۹۹). مطالعاتی درباره طبقات اجتماعی. مترجم: باقر پرهام، تهران، اندیشه احسان، چاپ اول

امینی، سیدجواد؛ خلیلی، محسن؛ محمدی، سید محمود (۱۳۹۸). منظومه فکری (اعتقادی - عملی) سپهبد شهید سلیمانی بعنوان حکمران ا

سلامی. نشریه تعالی حکمرانی، شماره اول

دشتی، محمد (۱۳۸۱). نهج البلاغه امیرالمومنین علی (ع). قم، موسسه انتشارات حضور، چاپ اول

شاه آبادی، ابوالفضل؛ جامه بزرگی، آمنه (۱۳۹۲). نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه. فصلنامه پژوهش نامه نهج البلاغه، شماره ۲

فورن، جان (۱۳۹۶). نظریه پردازی انقلاب ها. مترجم: فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی، چاپ هشتم

غزالی طوسی، ابوحامد محمدبن محمدبن احمد (۱۳۱۷). نصیحة الملوک. مصحح: جلال همائی، تهران، چاپخانه مجلس

منصوری، منصور؛ منصور، روح الله؛ بازیار، احمد (۱۳۹۷). نقش سازمان های مردم نهاد در تحقق حکمرانی مطلوب در جمهوری اسلامی،

تهران، انتشارات هاوار، چاپ اول

آماده، غلامحسین (۱۳۸۸). نقش رئیس قوه قضائیه در فرایند کیفری ایران. با دیباچه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دادگستر، چا

اندیشکده برهان (۱۳۹۵). سیاق حکمرانی فقیه. تهران، نشر دیدمان  
دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۹۴). سیاست های کلی: ابلاغیه مقام معظم رهبری تا پایان سال ۱۳۹۳. انتشارات دبیرخانه مج  
مع تشخیص مصلحت نظام

راوندی، مرتضی (۱۳۶۸). سیرقانون و دادگستری در ایران. تهران، چشمه  
دروویل، گاسپار (۱۳۶۵). سفر در ایران. مترجم: منوچهر اعتماد مقدم، تهران، شباویز، چاپ دوم  
طوسی، خواجه نظام الملک ابوعلی حسین (۱۳۴۷). سیرالملوک (سیاست نامه). مصحح: هیوبرت دارک، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب چا  
پ دوم

هانتینگتون، سموئل (۱۳۸۶). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی. مترجم: محسن ثلاثی، نشر علم، چاپ چهارم  
مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه، اداره کل آمار و نظارت (۱۳۹۹). سالنامه عمومی قوه قضائیه. جلد ۱  
آکرمن، سوزان رز (۱۳۸۵). فساد و دولت: علت ها، پیامدها و اصلاح. مترجم: منوچهر صبوری، انتشارات پردیس دانش، چاپ اول  
کرمانی، مجد الاسلام (۱۳۷۷). فصلی از تاریخ مشروطیت ایران، انحلال مجلس. اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان  
الوانی، سیدمهدی؛ شریف زاده، فتاح (۱۳۸۷). فرایند خط مشی گذاری عمومی. تهران، دانشگاه علامه طباطبایی  
بلاذری، ابولحسن احمد بن یحیی (۱۳۳۷). فتوح البلدان. تهران، نشر نقره، چاپ نخست  
عُصر المعالی، کیکاوس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر بن زیار (۱۳۳۵). قابوس نامه (نصیحت نامه). مصحح: امین عبدالمجید بدوی، نشر یا  
ت کتابفروشی ابن سینا (چاپخانه آتشکده)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران  
مجدالملک، میرزا محمدخان (۱۳۳۱). رساله مجدیه. تصحیح: سعید نفیسی، تهران، چاپخانه بانک ملی ایران  
عسگریان، رضا (۱۳۸۵). راهنمای انجام اقدام اصلاحی. تهران، انتشارات مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران، چاپ اول  
صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۴). جلد های ۲، ۳ و ۴، چاپخانه مجلس شورای اس  
لامی، چاپ اول

فخر المحققین، ابوطالب محمد بن حسن بن یوسف حلی (۱۳۶۸). قضای اسلامی. مترجم: علی اشرف مهاجر، مشهد، فردوسی  
لاورنس نیومن، ولیام (۱۳۸۹). شیوه های پژوهش اجتماعی. مترجم: دانائی فرد، حسن؛ کاظمی، سیدحسین؛ ج ۲، تهران؛ کتاب مهربان  
خدائی، سیدعلی اکبر (۱۳۸۰). شریح قاضی، زندگینامه و عملکرد. فسنامه تاریخ اسلام، سال دوم، شماره مسلسل ۷، صص: ۹۹-۱۲۴  
بن ابی الحدید معتزلی، ابوحمید عبدالحمید بن هبة الله (۱۳۶۳). شرح نهج البلاغه. جلد ۲۰، محقق: محمدابوالفضل ابراهیم، قم، ناشر مکتبه  
آیت الله المرعشی النجفی (ره)

کاستلز، مانوئل و سایرین (۱۳۹۸). تحولات حکمرانی در عصر جهانی شدن. مترجم: مهدی مقدری، تهران، نشر نگاه معاصر، چاپ اول  
دورانت، ویل (۱۳۸۲). تاریخ تمدن. مترجمین: احمد آرام و سایرین، جلد ۱، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی  
دورانت، ویل (۱۳۸۲). تاریخ تمدن. مترجمین: امیرحسین آریان پور و سایرین، جلد ۲، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی  
ملکم، سرجان (۱۳۸۰). تاریخ کامل ایران. جلد ۲، مترجم: میرزا اسماعیل حیرت، تصحیح: مهدی قمی نژاد، تهران، انتشارات افسون  
موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۳). تحریرالوسیله. جلد ۴، مترجم: علی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی  
ابراهیم حسن، حسن (۱۳۸۵). تاریخ سیاسی اسلام. مترجم: ابوالقاسم پاینده تهران، انتشارات بدرقه جاویدان  
ابوصادق، سلیم بن قیس الهمدانی العاوی الکوفی (۱۳۹۲). تاریخ سیاسی صدر اسلام. مترجم: دکتر محمودرضا افتخارزاده، اصفهان، انتشارات  
مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه

عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ زاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و  
کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی. نشریه ی اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، شماره دوم  
جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۷). ترمینولوژی حقوق. تهران، گنج دانش، چاپ بیستم  
فشاهی، محمدرضا (۱۳۵۴). تحولات فکری و اجتماعی در جامعه فئودالی ایران. تهران، انتشارات گوتنبرگ، چاپ اول

اندیشکده محتوا (۱۳۹۷). تغییر در حکمرانی قضایی. چاپ اول  
مجلات، میرزا محمدعلی (۱۳۴۹). خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت. به کوشش حمید سیاح و تصحیح سیف الله گلکار، تهران، مو  
سسه انتشارات امیرکبیر  
دانیایی فرد و همکاران (۱۳۹۲). ظرفیت خط مشی گذاری عمومی - کلید توسعه یافتگی ملی. انتشارات صفار  
عجم اوغلو، دارون؛ رابینسون، جیمز ای (۱۳۹۵). چرا ملت ها شکست می خوردند؟. مترجم: محسن میردامادی و محمد حسین نعیمی پور  
تهران، انتشارات روزنه، چاپ پنجم  
گیدنز، آنتونی (۱۳۹۲). پیامدهای مدرنیته. مترجم: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات مرکز، چاپ هفتم  
درگاه مجازی farsi.khamenei.ir  
منابع انگلیسی:

backstrand k (2015) democratizing global governance? stakeholder democracy after the wurd summit on sustainabl ( e development . European journal of international relation 12(14). 467-98  
An Experimental Analysis of Social Traps ; Kevin C. Brechener ; 1977 ; JOURNAL OF EXPEREMENTAL SOC IAL PSYCHOLOGY 13, 552-564  
Social Traps / JOHN PLATT/Mental Health Research Institute Unevercity of Michigan/ August 1973 / 641-651